

خبرنامه

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

دوره جدید، سال پنجم، شماره پنجاهم، آبان ۱۳۹۷

وزیر علوم در دویستمین جلسه شورای بررسی متون: با ارائه و اطلاع‌رسانی دستاوردها، بی‌مهری‌ها به علوم انسانی کم می‌شود
دکتر وحید احمدی: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی در موفقیت شرکت‌های دانش‌بنیان نقش اساسی دارد

دیدار سفیر هندوستان از پژوهشگاه
گزارش نشست خبری همایش ملی «استاد شهید مطهری و مطالعات قرآنی معاصر»
معارف دکتر پاکتچی، سرپرست جدید پژوهشکده دانشنامه‌نگاری
گزارش دومین نشست شورای سیاست‌گذاری همایش ملی ارتباط علوم انسانی، تولید و صنعت
گزارش دومین جلسه کمیته علمی سومین کنگره بین‌المللی امام علی (ع) پژوهی
گزارش دیدار رئیس پژوهشگاه با اعضای پژوهشکده حکمت معاصر

سخنرانی‌ها و نشست‌های علمی

خوانش جایگاه بیت‌المال در اندیشه و کنش امیرالمؤمنین (ع)
دولت مدرن، شهروند و حقوق کیفری
گفتگوی صنعت و علوم انسانی
پرونده خاشقچی و آینده ساختار قدرت در عربستان سعودی
ارگونومی، حفظ قامت بدنی و تغذیه مناسب کارکنان
ظرفیت‌ها و چالش‌های بین‌نسلی در ایران
تحلیل انتقادی سیاست‌های فرهنگی مد و لباس
تحولات اجتماعی نواحی غربی ایران در سال‌های جنگ جهانی اول
جنگ جهانی اول و میسیونرها در ایران
زیبایی‌شناسی مجسمه‌های صلح و جنگ در ایران و هفت کشور
بررسی فرهنگ کار در ایران (مطالعه فرهنگ کار در سازمان‌های دولتی و خصوصی در تهران)

دویستمین جلسه شورای متون و کتب علوم انسانی با حضور وزیر علوم، تحقیقات و فناوری

دویستمین جلسه شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی با حضور دکتر غلامی، وزیر علوم، تحقیقات و فناوری در روز پنجشنبه ۳ آبان ماه ۱۳۹۷ در ساختمان وزارت علوم تشکیل شد. در این نشست، رئیس و معاونان پژوهشگاه علوم انسانی، مدیران پژوهشکده‌ها، مدیران گروه‌های تخصصی شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی و طرح اعتلای علوم انسانی و دیگر همکاران پژوهشی دبیرخانه شورای بررسی متون و طرح اعتلاء حضور داشتند.



دکتر غلامی، در ابتدای سخنرانی خود با تکریم جایگاه علوم انسانی و نمایندگان این بخش از جامعه دانشگاهی، گفت: «شاکریم که در محضر اساتید و اندیشمندان گرامی در مجموعه پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، شورای بررسی متون و طرح اعتلاء هستیم که جمع گراندوری در حوزه علوم انسانی کشور است. این جمع نماینده خوبی از جامعه و اساتید علوم انسانی است که کشور ما بحمدالله به عنوان یک سرمایه فکری از وجودشان بهره‌مند است.»

وزیر علوم با بیان اینکه حضور، تحرک و اثربخشی خانواده بزرگ علوم انسانی باید بیش از پیش باشد، گفت: «با این وجود، با حرکت‌ها و رویکردهای سال‌های اخیر، خوشبختانه این ظهور و بروز خیلی بیشتر شده است. حضور علوم انسانی در مجموعه‌های دانشگاهی و پژوهشی کشور باید پررنگ باشد. در مجموعه‌هایی مثل شورای بررسی متون، شورای تحول و در بحث اسلامی شدن دانشگاه‌ها مباحث متعددی مطرح می‌شود و



کارهای خوبی صورت گرفته است و ما در ستاد وزارت علوم برای مجموعه‌های فعال در حوزه‌های مختلف علوم از جمله علوم انسانی از هیچ کمکی دریغ نمی‌کنیم تا بتوانیم توسعه ارتباط بین مراکز علمی با مراکز اجرایی را بیشتر در دستور کار قرار دهیم».

وزیر علوم اعلام با بیان اینکه در ماه‌های گذشته، هماهنگی‌های زیادی در جهت ارائه مدون نظرات دانشگاه‌ها و مراکز تحقیقاتی داشتیم، گفت: «تلاش کردیم نتایج را به مسئولین اجرایی از ریاست محترم جمهوری تا مراکز مختلف انعکاس دهیم و این روند کماکان در حال انجام است. از آثار نشست‌های ریاست محترم جمهوری با اساتید اقتصاد، این بود که نشست‌هایی هم با اساتید علوم اجتماعی داشته باشند، برای سایر رشته‌ها هم برنامه‌هایی وجود دارد. در دانشگاه‌ها هم با حل

قه‌های بررسی مسائل مختلف کشور چه در حوزه علوم انسانی و چه در حوزه‌های دیگر از جمله مسائل و مشکلات صنعت، توسعه علمی و مواردی از این قبیل ارتباط داریم».

دکتر غلامی در ادامه خواستار افزایش برون‌دادها در بخش تحول علوم انسانی و اعتلای علوم انسانی شد و در بحث نقد متون در شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی نیز به هم افزایی این نهاد با سایر نهادهای همسو اشاره کرد و گفت: «همیشه انتظار مقام معظم رهبری از جامعه علمی کشور، حل مسائل کشور چه در حوزه‌های پژوهشی و چه در حوزه‌های تعلیم و بررسی مسائل و نقدهای گفتمانی بوده است. لذا خوشحالیم که در مجموعه حوزه علوم انسانی، اساتید گرانقدری داریم که وجودشان بسیار نعمت بزرگی است. مجموعه‌های علمی و پژوهشی کشور باید تلاش کنند که اساتید به‌خصوص جوان‌ترها و اساتید پیشکسوت و بزرگان علم را برای برنامه‌ریزی در حوزه‌های علمی و پژوهشی به کار بگیرند و نتایج آن را به سطح کشور بیاورند».

دکتر حسینعلی قبادی، رئیس پژوهشگاه علوم انسانی و شورای بررسی متون، پس از سخنرانی وزیر علوم، توجه بیشتر به علوم انسانی در برنامه‌های اعلامی دکتر غلامی به مجلس شورای اسلامی نسبت به سایر برنامه‌ها را مصداق عینی وفاداری پررنگ به علوم انسانی دانست.

پیش از سخنرانی وزیر علوم، دکتر قبادی، رئیس پژوهشگاه علوم انسانی و شورای بررسی متون گزارشی از پژوهشگاه علوم انسانی و مراکز فعال آن از جمله شورای بررسی متون و طرح اعتلای علوم انسانی، ارائه داد و ضمن تشکر از توجه وزیر به پژوهشگاه علوم انسانی که برای دومین بار در جمع پژوهشگران علوم انسانی و اعضای پژوهشگاه حضور یافته‌اند، توجه بیشتر ایشان به علوم انسانی در برنامه‌های اعلامی به مجلس شورای اسلامی را مصداق عینی وفاداری پررنگ به علوم انسانی دانست. وی در ادامه از خدمات همه مدیران سابق پژوهشگاه تشکر کرد و به تشریح رویکردهای پژوهشگاه پرداخت.

دکتر قبادی در محور اول سخنرانی خود به موضوع تعریف و تنظیم فعالیت‌ها بر مبنای اسناد بالا دستی به ویژه برنامه ششم توسعه پرداخت و رویکرد پژوهشگاه در این خصوص را حول این محورها تشریح کرد: «سوق دادن تدریجی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی به سمت دانشگاه‌های جامعه‌محور، کارآفرین و خلاق، تحول و ارتقای کمی و کیفی علوم انسانی و هنر، فعال کردن کرسی‌های نظریه‌پردازی در چارچوب نقشه جامع علمی کشور و تحول در علوم انسانی، استفاده از ظرفیت فعالیت‌های فرهنگی اجتماعی دانشگاهیان در توسعه کارآفرینی و اشتغال و ارتباط صنعت و دانشگاه، احیای تاریخ علمی و فرهنگی اسلام و ایران و الگوسازی از مفاخر علمی در عرصه علم و فناوری به منظور ارتقای اخلاق مداری، خودآگاهی و نشاط علمی دانشگاهیان، تدوین شاخص‌های پژوهش و نوآوری خاص رشته‌های علوم انسانی به منظور کارآمد کردن آنها، توسعه دیپلماسی علمی - فناوری، حضور فعال و محوری در مجامع تصمیم‌سازی جهانی و بین‌المللی مربوط به بند ۲ برنامه توسعه مشاکت و همکاری‌های ملی و بین‌المللی و ترویج و آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان و گسترش کرسی‌های ایران‌شناسی».



رئیس پژوهشگاه علوم انسانی در ادامه به هم‌افزایی با نهادهای مرتبط همچون شورای تحول، سازمان سمت، دانشگاه علامه و دیگر پژوهشگاه‌ها و مراکز مرتبط اشاره کرد و در محور سوم صحبت‌های خود به برنامه‌مداری، طراحی و اجرای برنامه توسعه راهبردی پژوهشگاه و تأکیدات آن بر محورهایی از قبیل کاربردی‌سازی، ترویجی‌سازی، حرکت منظومه‌ای در طرح‌های به هم پیوسته و کلان، افزایش اثربخشی اجتماعی فعالیت‌های پژوهشی و تقویت شبکه‌نخبگانی به واسطه شورای بررسی متون و طرح اعتلاء پرداخت.

دکتر قبادی در ادامه به شیوه‌های متنوع عرضه دستاوردهای پژوهشی در قالب نشست‌های نخبگانی مساله محور و محصول مدار، تولید گزارش‌های راهبردی، مناظره، نظریه‌پردازی، سخنرانی علمی، میزگرد، کتاب، مقاله، یادداشت انتقادی و غیره اشاره کرد و هم‌افزایی، افزایش بهره‌وری، برنامه‌مداری، راهبردمداری، فعالیت شبکه‌ای، نظام‌مندی و توجه به محصول محوری و افزایش اثربخشی را جزو سیاست‌های پژوهشگاه اعلام کرد و در پایان سخنرانی خود از وزیر خواست که شورای عالی برنامه‌ریزی دانشگاه‌ها از نتایج و دستاوردهای شورای بررسی متون بهره بیشتری بگیرد و همچنین گسترش شبکه نخبگانی شورای بررسی متون، گسترش پیش‌برد طرح اعتلاء و گسترش فضای فیزیکی پژوهشگاه مورد حمایت آن وزارتخانه قرار گیرد».

در ادامه، دکتر ملایی، معاون پژوهشی و تحصیلات تکمیلی پژوهشگاه، حول محور زمینه‌های رویش طرح جامع اعتلای علوم انسانی معطوف به پیشرفت کشور در پژوهشگاه علوم انسانی به ارائه سخنرانی کوتاهی پرداخت. وی فعالیت‌های پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی بر مبنای برنامه راهبردی با رویکرد دینی و بومی را در حوزه‌های مختلف طرح‌های پژوهشی، نشست‌های تخصصی، نشر و همکاری با سایر نهادها توضیح داد و پژوهشکده مطالعات قرآنی، مرکز تحقیقات امام علی (ع) و پژوهشکده‌هایی همانند پژوهشکده اندیشه سیاسی، انقلاب و تمدن اسلامی، پژوهشکده اخلاق و تربیت، پژوهشکده حکمت معاصر و پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی با رویکرد کاربردی را جزو اقدامات تأسیسی در حوزه دینی و بومی عنوان کرد».

پس از آن، دکتر کریمی مطهر، دبیر شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی گزارشی از فعالیت‌های شاخص شورا ارائه کرد. وی در این سخنرانی به راهبردها، اهداف و رویکردهای شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی، شبکه‌مندی، تقویت شبکه نخبگانی و گروه‌های تخصصی ۱۷ گانه در این شورا، محصولات شورا با رویکرد انتقادی و سامانه نقد نقد، ارائه و خاطرنشان کرد: «رویکرد بومی‌گرایی در علم، تکریم ارزش‌های دینی، انطباق تحقیقات علوم انسانی با نیازهای جامعه و جلب مشارکت دانشگاه‌ها، مراکز آموزش عالی و اساتید سراسر کشور در جهت هم‌افزایی، محصول محوری، بومی‌گرایی، کاربردگرایی و اثربخشی در فعالیت‌های شورا مورد تأکید است».

وی در ادامه گزارشی از طرح‌ها و فعالیت‌های شورا بیان کرد و نقد ۵۵۰۰ عنوان کتاب کتب ملی، نقد ۸۵۰ عنوان کتاب جهانی، ۳۰۰۰ جلسه تخصصی نقد و ۱۸۵ نشست و همایش علمی را گزارش داد. وی همچنین به توضیح درباره نقدنامه‌های تخصصی، کتب تألیفی با رویکرد انتقادی و طرح‌های پژوهشی با رویکرد انتقادی با مشارکت دانشگاه‌ها، ماهنامه علمی پژوهشی پژوهشنامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی و دیگر فعالیت‌های پژوهشی و ترویجی شورا در حوزه نقد کتب و متون علوم انسانی پرداخت.

در ادامه، دکتر فوزی، جانشین رئیس در امور طرح اعتلاء، گزارشی از طرح جامع اعتلای علوم انسانی معطوف به پیشرفت کشور ارائه کرد و در چند محور به چرایی و ضرورت شکل‌گیری طرح جامع اعتلاء، اهداف، ویژگی‌ها و نوآوری‌های طرح، عملکردها و دستاوردهای طرح و برنامه‌های آینده آن پرداخت و مسائل شش‌گانه این طرح را نسبت علوم انسانی با دین، فرهنگ و جامعه، نسبت علوم انسانی با برنامه‌های پیشرفت



و توسعه کشور، نسبت علوم انسانی جدید با قدرت ملی و بین‌المللی، نسبت علوم انسانی با صنعت، تجارت و فناوری، نسبت بین علوم انسانی و نهادهای اجرایی و نسبت بین تحصیل، مهارت و اشتغال دانش آموختگان علوم انسانی نام برد».



این نشست در ادامه با سخنرانی دکتر رضا داوری اردکانی در خصوص یکی از طرح‌های تحقیقاتی از مجموعه طرح‌های اعتلای علوم انسانی ادامه یافت. دکتر رضا داوری اردکانی با پرداختن به موضوع علم و اخلاق در ایران و غرب، گفت: «علم نتیجه اخلاق نیست و اینکه گفته می‌شود اخلاق پیش شرط علم است به معنای اخلاق نظری نیست بلکه به مسئولیت پذیری، قانون‌مداری و امانت‌داری و امثالهم ارجاع دارد». وی در ادامه به این موضوع که چه اخلاقی با پیشرفت علم تناسب دارد را مورد تأکید قرار داد و مسئله خود را کارساز کردن علم عنوان کرد و گفت: «با وصف تاریخ علم در غرب می‌توان مشاهده کرد که غرب علم را برای علم خواسته است و به این علم وفادار بوده است».

در ادامه بحث و تبادل نظر در خصوص این سخنرانی ادامه یافت و پس از آن دویستمین جلسه شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی با حضور اعضای شورا در وزارت علوم ادامه برگزار شد و در بخش بعدی این جلسه، با حضور دکتر غلامی، از دویستمین اثر شورای متون و کتب علوم انسانی رونمایی شد.



رونمایی از دویستمین اثر شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی

در دویستمین جلسه شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی که با حضور دکتر غلامی، وزیر علوم، تحقیقات و فناوری در روز پنجشنبه ۳ آبان ماه ۱۳۹۷ در ساختمان وزارت علوم تشکیل شد، دویستمین اثر شورای بررسی متون نیز رونمایی شد.

در این مراسم دکتر منصور غلامی، وزیر علوم در بازدید از نمایشگاه کتب و آثار شورای بررسی متون به رونمایی از جدیدترین آثار شورا شامل نقد در تراز جهانی، نقدنامه تخصصی اقتصاد مقاومتی و نقدنامه زبان و ادبیات فارسی پرداخت. دکتر غلامی، در این مراسم هم‌سویی علوم با تحولات جدید و برانگیختن رغبت دانشجو و ایجاد علاقه و انگیزه در دانشگاه‌ها و بخش‌های علوم انسانی را ضروری دانست و گفت: «ما نیاز داریم که انگیزه و رغبت داوطلبان تحصیل در دانشگاه‌ها را به سمت علوم انسانی سوق دهیم تا بستر مناسبی برای جذب استعداد های خوب دانش‌آموزی به سمت علوم انسانی بیشتر فراهم سازیم. چون ما نیاز به یک پشتوانه قوی از نظر نیروی انسانی و فکری برای آینده داریم که باید برای آن طرح و برنامه داشته باشیم».



دکتر وحید احمدی:

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی در موفقیت شرکتهای دانش بنیان نقش اساسی دارد

دکتر وحید احمدی، رئیس مرکز تحقیقات سیاست علمی کشور، در گفت‌وگو با ایسنا با اشاره به وضعیت ارتباط میان علوم انسانی و صنعت افزود: به اعتقاد من مشکل ارتباط میان حوزه‌های غیرصنعتی مانند شهرداری‌ها، بخش‌های ارتباطات اجتماعی، صداوسیما با صنعت باید از طریق علوم انسانی، فارغ‌التحصیلان این حوزه و پژوهشگران علوم انسانی و مراکز تحقیقاتی صورت گیرد.



وی با تأکید بر اینکه بخش عمده موفقیت حوزه‌های صنعتی به علوم انسانی وابسته است، اظهار کرد: «وقتی ما پروژه‌ای در صنعت داریم قسمت‌هایی زیادی از آن که شامل حوزه‌های اقتصادی، حقوقی، روابط اجتماعی، ارتباطات، بازاریابی و مدیریت می‌شود، از این رو این پروژه‌های صنعتی مرتبط با علوم انسانی نیز می‌باشد و فقط قسمت‌های خاصی از آن مرتبط با حوزه صنعتی است به عنوان مثال کسی که شرکت آی‌تی دارد فقط یک بخش آن شامل برنامه‌ریزی و کارهای خاص آی‌تی است ولی بخش اساسی آن که درآمدزایی و ارتباطات با

حوزه‌های مختلف است، باید از سوی فعالان حوزه‌های علوم انسانی انجام شود».

رئیس مرکز تحقیقات سیاست علمی کشور با بیان اینکه وقتی از صنعت صحبت می‌شود تصور عامه حضور بخش‌های غیر انسانی است، ادامه داد: «این در حالی است که اگر به روند فعالیت‌های شرکت‌های بزرگی مانند گوگل و مایکروسافت نگاه شود مشاهده می‌کنیم که در همه این شرکت‌ها فعالان حوزه‌های علوم انسانی حضور چشمگیر دارند. متأسفانه چنین هماهنگی و همگرایی در ایران خیلی کم است؛ چرا که شرکت‌ها چگونگی انجام درست کارهای جمعی و اجتماعی را نمی‌دانند تا بتوانند از ظرفیت‌های مختلف نیروی انسانی بهره‌برداری کنند».

احمدی با بیان اینکه هنوز رشته‌های مختلف یاد نگرفته‌اند چگونه باید با یکدیگر کار کنند، خاطر نشان کرد: «علت این امر این است که به جامعه وارد نشده‌ایم تا کارهای جمعی را انجام دهیم و این خلأ و نقطه ضعف عمده‌ای است که ما داریم و امیدواریم با پروژه‌های مختلفی که افراد و پژوهشگاه‌ها انجام می‌دهند ارتباط با صنعت بهتر شود و بتوانند از ظرفیت رشته‌های مختلف و به ویژه ظرفیت رشته‌های علوم انسانی استفاده کنند. احمدی ابراز خرسندی کرد که در حال حاضر این مسیر به طور نسبی در حال هموار شدن است هر چند که مطلوب نیست. رئیس مرکز تحقیقات سیاست علمی کشور با تأکید بر ضرورت فرهنگ‌سازی برای افزایش همکاری‌ها میان صنعت و علوم انسانی، یادآور شد: علاوه بر آن رشته‌های مختلف نیز باید این اعتقاد را پیدا کنند که متخصصان حوزه‌های مختلف در کنار همدیگر کار کنند».

احمدی با تأکید بر اینکه حضور رشته‌های مختلف علوم انسانی در مراکز رشد و شرکتهای دانش‌بنیان می‌تواند این مسیر را هموارتر کند، اضافه کرد: «به اعتقاد من پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی با ظرفیتی که در اختیار دارد می‌تواند نقش بسیار اساسی و مثبتی در این زمینه داشته باشد».

وی حمایت از پایان‌نامه‌های علوم انسانی ماموریت‌گرا را یکی از بهترین اقدامات در این زمینه دانست و افزود: «این امر در پژوهشگاه‌ها شروع شده است ضمن آنکه برگزاری همایش پیوند علوم انسانی و صنعت می‌تواند نقش بسیار سازنده‌ای در این ارتباط داشته باشد».



دیدار سفیر هندوستان از پژوهشگاه

در آستانه برگزاری همایش بین‌المللی «پانینی، دستورنویس سانسکریت؛ آثار و اندیشه‌ها»، سهراب کومار، سفیر هندوستان و پروفیسور ابهی کومار سینگ، رایزن فرهنگی این کشور با حضور در پژوهشگاه، در خصوص برگزاری شایسته این همایش و سایر همکاری‌های علمی و فرهنگی با رئیس و اعضای هیأت علمی پژوهشگاه گفت و گو کردند.

در ابتدای این جلسه، دکتر قبادی با تأکید بر سابقه تمدنی و فرهنگی مشترک ایران و هندوستان، گسترش و تعمیق همکاری‌های دو کشور را با توجه به وجود ظرفیت‌های فرهنگی، اقتصادی و سیاسی بسیار مهم و ثمر بخش دانست و از سفارت هندوستان به خاطر توجه ویژه به امور علمی و میراث مشترک تمدنی دو کشور تشکر کرد.

سهراب کومار، سفیر هندوستان، نیز ضمن ابراز خشنودی از ملاقات با اعضای هیأت علمی پژوهشگاه، مشترکات فرهنگی دو کشور مانند کلیله و دمنه را یادآور شد و تأکید کرد: «این امر در سطوح عالی همکاری‌های ایران و هندوستان و در دیدار نخست وزیر هند و رئیس جمهور ایران نیز مورد توجه قرار گرفته است که موضوع مهمی است».

وی با اشاره به جایگاه شورای روابط فرهنگی هندوستان در نظام تصمیم‌گیری‌های اجرایی این کشور، به حضور خود در این شورا اشاره کرد و گفت: «با توجه به اهمیت جایگاه «پانینی» در زبان‌شناسی سانسکریت، این شورا توجه ویژه‌ای به برگزاری این همایش دارد و در عالی‌ترین سطح آن مشارکت خواهد داشت».

در ادامه دکتر قبادی بر آمادگی پژوهشگاه برای میزبانی همایش تأکید کرد و بازدید شرکت‌کنندگان در این همایش از شهرهای تاریخی ایران مانند اصفهان و شیراز را از جمله اقداماتی دانست که می‌تواند به تعمیق آشنایی آنها با پیشینه فرهنگی ایران کمک کند.

در خاتمه جلسه حاضران در خصوص زمینه‌های اجرایی برگزاری کنفرانس و همچنین دیگر زمینه‌های همکاری‌های علمی و پژوهشی ایران و هندوستان به بحث و تبادل نظر پرداختند.



نشست خبری همایش ملی «استاد شهید مطهری و مطالعات قرآنی معاصر»

نشست خبری «همایش ملی استاد شهید مطهری و مطالعات قرآنی معاصر» روز چهارشنبه ۲۳ آبان ۹۷، با حضور اهالی رسانه برگزار شد.



در ابتدای این نشست دکتر فروغ پارسا، رئیس انجمن ایرانی مطالعات قرآنی و فرهنگ اسلامی، با تشکر از حاضرین در نشست گفت: «نقطهٔ عزیمت ما برای برگزاری همایش مجموعه میراث فکری استاد شهید مطهری است و در واقع به اعتقاد ما استاد مطهری به مثابه فیلسوف، فقیه، و قرآن پژوه برجسته معاصر، بی تردید یکی از نظریه پردازان و معماران انقلاب اسلامی به شمار می رود. ما در جریان انقلاب اسلامی و حوادث مختلفی که بر انقلاب گذشت، رد پای اندیشه‌ها و آثار شهید مطهری را دیدیم و پس از شهادت استاد هم باز با این مسأله مواجه شدیم که نهادهای فرهنگی، آموزشی و پژوهشی طی چند دههٔ گذشته و امدار اندیشه‌های شهید مطهری در حوزهٔ دین بوده‌اند».

دکتر پارسا تأکید کرد: «ان شاءالله سال آینده و زمان برگزاری این همایش (اردیبهشت ۱۳۹۸) با یکصدمین سال تولد استاد مصادف خواهد شد ضمن اینکه، در چهلمین سال شهادت ایشان در جامعه امروز خودمان، با دو نسل مواجه هستیم که متأسفانه شناخت زیادی از استاد مطهری ندارند. ما این مسئولیت را داریم که در بازنمایی و تبیین اندیشه‌های استاد شهید مطهری اهتمام داشته باشیم. استاد مطهری واقعاً شخصیت کم نظیری داشت که باید بیشتر از این، به نسل جوان جامعه شناسانده شود».

در ادامه نشست دکتر سیده‌هدایت جلیلی، دبیر علمی همایش و استاد دانشگاه خوارزمی در خصوص محورهای مختلف همایش مواردی را عنوان کرد و گفت: «هدف از برگزاری همایش با موضوع شهید مطهری مبتنی بر درک از وضعیت موجود و نیازهای فکری جوانان است، مدعی هستیم این همایش از باب تعارف و تجلیل‌های متعارف نیست بلکه، مبتنی بر نوعی نیازسنجی است که از وضعیت فکری معاصر در جامعهٔ معاصر خودمان احساس می‌کنیم».

در پایان دکتر مالک شجاعی جشوقانی، مسئول کرسی مطهری‌شناسی با تشکر ویژه از اهالی رسانه که از سر لطف و دغدغه نسبت به استاد مطهری و اندیشه‌های قرآنی، دعوت را پذیرفته و در جلسه حضور یافته‌اند، گفت: «واقعاً این حضور برای ما ارزشمند است و از اهالی رسانه تقاضا دارم توجه بیشتری به کرسی مطهری پژوهشی پژوهشگاه داشته باشید». دکتر شجاعی نیز در ادامه سخنانش به برخی ویژگی‌های شخصیتی و اندیشه‌های استاد مطهری اشاره کرد تا نوبت اهالی قلم برسد و سؤالات خود را مطرح کنند. لازم به ذکر است تاریخ دریافت چکیده مقالات ارسالی به این همایش از ۲۵ آبان به ۲۵ آذر تغییر کرده است.

مراسم معارفه دکتر پاکتچی

سرپرست جدید پژوهشکده دانشنامه‌نگاری

مراسم معارفه دکتر احمد پاکتچی، سرپرست جدید پژوهشکده دانشنامه‌نگاری، ششم آبان ماه ۱۳۹۷ با حضور دکتر حسینعلی قبادی، علیرضا ملایی توانی (سرپرست سابق بنیاد دانشنامه)، دکتر محسن شریفی (مدیرکل دفتر سیاست‌گذاری پژوهشی وزارت علوم) و کارکنان پژوهشکده دانشنامه نگاری برگزار شد.



در آغاز این نشست، دکتر قبادی، رئیس پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی با عرض تسلیت ایام سوگواری اربعین حسینی و گرامیداشت شهدای کربلا گفت: جهت اطلاع جامعه علمی کشور و آسودگی خیال همگان در وزارت علوم باید بگویم، هدف از هر تغییر و اقدامی باید ایجاد اعتلاء و ارتقاء در آن سازمان باشد که در غیر این صورت خلاف خرد است، اما آیا با این الحاق «دانشنامه نگاری» به سمت اعتلاء، پیشرفت و افزایش بهره وری آن شاءالله پیش خواهد رفت؟ به نظر بنده، وجود استاد پاکتچی در رأس این پژوهشکده با توجه به دانش و تخصص ایشان می‌تواند دلیل خوبی بر رشد و پیشرفت همه جانبه دانشنامه‌نگاری باشد. دکتر پاکتچی در زمینه دانشنامه نگاری واقعا صاحب تجربه و مهارت خاصی است و اعضای محترم هیأت علمی، کارشناسان و کارکنان دانشنامه‌نگاری بدانند در واقع با این الحاق رودخانه‌ای

به دریا ملحق شده و از خطرات تهدید کننده دور خواهد بود.

دکتر قبادی در خاتمه گفت: امیدوارم همگی با همکاری یکدیگر به خوبی بتوانیم از حکم وزارت علوم مبنی بر الحاق بنیاد دانشنامه‌نگاری به پژوهشگاه صیانت کنیم و منافع ملی و علمی را در نظر بگیریم و به خوبی از مقام علم و پژوهش پاسداری کنیم. در اساسنامه جدید و قدیم پژوهشگاه و هم در تاریخ پژوهشگاه، تأکید شده است که یکی از وظایف پژوهشگاه پرداختن به «دانشنامه‌نگاری» است. حتی خود استاد بیرشک کار دانشنامه‌نگاری را در پژوهشگاه شروع کرده بودند و هنوز هم بسیاری از استادان در پژوهشگاه به کار دانشنامه‌نویسی مشغول هستند که امیدواریم این روند با جدیت و قدرت بیشتر ادامه پیدا کند.





در ادامه نشست، دکتر شریفی، مدیرکل دفتر سیاست‌گذاری پژوهشی وزارت علوم، گفت: «امروز همه ما مسئولیم در جهت اثربخشی علوم انسانی گام برداریم که بخش عمده این مسئولیت بر عهده اعضای هیأت علمی و نیروهای فعال پژوهشگاه هاست. بحث الحاق این دو مرکز نیز جز در راستای این هدف نبوده است. لذا موضوع دانشنامه‌نگاری با قدرت بیشتری ادامه خواهد یافت. دوم اینکه، این توانایی به علوم انسانی اتصال یافت و از بین گزینه‌های موجود پژوهشگاه انتخاب شد.

دکتر شریفی افزود: قول می‌دهیم اصلاحات مورد نیاز را هم پیگیری کنیم. قصد داریم در این زمینه تمام تلاش خود را انجام دهیم که باید برنامه راهبردی موجود را تغییر دهیم. باید مأموریت‌های آن را تعریف و تقدیم وزارتخانه کنیم و از تصمیم گرفته شده بهترین استفاده را صورت دهیم. دکتر علیرضا ملایی توانی سرپرست سابق بنیاد دانشنامه‌نگاری ایران نیز پس از مراسم تودیع و معارفه ضمن تشکر از تصمیم شایسته بابت انتصاب دکتر پاکتچی، گفت: «لازم است ذکر کنم بنده در دوره گذار این مسئولیت را بر عهده گرفتم و با کمک دوستان، آقای شیبانی و دکتر رضایی این دوره گذار به خوبی طی شد. در این دوره ۴ یا ۵ ماهه نیز سعی کردیم کارهای مؤثری انجام دهیم که در ادامه مسیر برای دکتر پاکتچی آرزوی توفیق الهی دارم».

در پایان مراسم نیز دکتر پاکتچی ضمن قدردانی از اعتماد وزیر علوم، دکتر قبادی و اعضای هیأت امناء، گفت: «امروز بعد از سی سال کار در حوزه دایره المعارف. با مشکلات و ویژگی‌های کار این حوزه آشنا هستیم. بنده هم به دو دلیل این الحاق را درست می‌دانم. در گذشته دانشنامه‌نگاری از مسائل روز بود و دانشنامه تخصصی وجود نداشت اما امروزه باید روش علمی دانشنامه‌نگاری مطرح شود و با کوتاه‌ترین زمان و کم‌ترین امکان بتوانیم دانشنامه نگار تربیت کنیم که پژوهشگاه محلی برای پیوند دانش نظری و عملی است». در پایان مراسم، کارکنان پژوهشکده و حاضران در مراسم، به یادگار عکسی گرفتند.



دومین پیش‌همایش «علوم انسانی، تولید و صنعت»:

گفتگوی صنعت و علوم انسانی

دومین نشست تخصصی همایش «علوم انسانی، تولید و صنعت» با عنوان گفتگوی صنعت و علوم انسانی عصر روز چهارشنبه دوم آبان ماه ۱۳۹۷ با سخنرانی دکتر حسینعلی قبادی، رئیس پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی و با حضور جمعی از مدیران و صاحبان صنایع و استادان علوم انسانی برگزار شد.



دکتر قبادی با عرض تسلیت ایام پیش رو و با قدردانی از برگزارکنندگان همایش گفت: «با اندکی توجه در مسیر توسعه جهانی و تاریخ اروپای جدید مشخص می‌شود که راه توسعه ابتدا از تحول در فکر و اندیشه انسان‌ها و علوم انسانی رخ می‌دهد. اگر کانت، دکارت و امثالهم نبودند قطعاً بعد از آنها صنعت مدرنی هم وجود نداشت. با بررسی تمدن اسلامی هم متوجه می‌شویم تمدن ما زمانی باشکوه می‌شود که علوم انسانی پا به پای علوم تجربی حرکت کرده و علوم انسانی مسیر را گشوده است. در اروپا وقتی صنعت جان گرفت که دو قرن پیش از آن علم و فلسفه دچار تحول شدند».

رئیس همایش «علوم انسانی، تولید و صنعت» ادامه داد:

«ضمن تشکر از همه‌آنهايي که برای پیشرفت علوم انسانی و صنعت زحمت کشیده‌اند، باید اعتراف کنیم در این زمینه مقداری اشتباه کرده‌ایم. به‌طور مثال، دارالفنون برای انتقال علم، تکنولوژی و فناوری جدید تأسیس می‌شود اما در آن اثری از علوم انسانی نیست. با تمام احترامی که برای مؤسسان دارالفنون داریم و آنها را به عنوان انسان‌های بزرگ می‌شناسیم اما ای کاش در آن به علوم انسانی هم پرداخته می‌شد. حتی بعد از انقلاب هم با همه زحماتی که بزرگواران کشیدند، متأسفانه رابطه دانشگاه و صنعت خوب و جامع تعریف نشد. در واقع رابطه میان دانشگاه و صنعت، رابطه میان دانشگاه و دانشمندان صنعتی و مهندسان بود و این مسیر پیش و پس از انقلاب هم به نتیجه نرسید تا صنعت مسیر خود و دانشگاه هم مسیر خودش را طی کند. دلیل مهمش هم این است که به دستاوردهای علوم انسانی، توصیه‌های آن و ذات کارکردگرایانه اش توجه نشده است که نمونه عینی آن بحران محیط زیست و بی‌اخلاقی‌های مرتبط با آن است که محصول بی‌توجهی به فرهنگ و بنیان‌های علوم انسانی است».

دکتر قبادی تأکید کرد: «پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی در برنامه توسعه راهبردی خودش بعد از مطالعات فراوان به این نتیجه رسیده است که اگر بخواهیم بین دانشگاه و صنعت پیوندی پرمفعت و کارآمد تعریف کنیم، باید از نتایج دانش‌های علوم انسانی بهره ببریم. خدا را شکر این ظرفیت بسیار خوب و بین‌رشته‌ای با ۵۲ سال سابقه در پژوهشگاه با دانشمندان تراز اولش شکل گرفته است. ما هم با تمام وجود و بدون هیچ ادعایی می‌توانیم خدمت‌گزار رشد و تعالی صنعت در جامعه باشیم و از این طریق به مردم هم خدمت کنیم. برای رسیدن به هدف باید از دیوار کم‌اعتمادی (نمی‌گویم بی‌اعتمادی) به صنعت ملی بکاهیم و موفقیت‌ها را به رخ بکشیم. ما نمونه‌های موفق صنعتی چه قبل از انقلاب و چه بعد از انقلاب داشته‌ایم که انشاءالله با همراهی و همدلی دست اندرکاران دلسوز صنعت و دانشمندان و استادان صاحب نظر بتوانیم افق‌هایی را بگشائیم که سرمشق توسعه و پیشرفت قرار گیرد و بتواند خود را در اصلاح سیاست‌گذاری‌ها نشان دهد».

وی در خاتمه سخنانش گفت: «این راهی که ما در پیش گرفته‌ایم یک راه طبیعی و منطقی تمدن‌سازانه است چون کسی ما را مجبور به انتخاب این راه نکرده است بلکه ما پس از درک حقیقی نیازهای اجتماعی به این نقطه رسیده‌ایم که معتقدم دست کم در حوزه آموزش عالی گوش‌های شنوایی وجود دارد که در حد عالی‌ترین سطوح آموزش عالی بتواند یافته‌های ما را به صنعتگران منتقل کند در ضمن ما خوشحالییم که با اصل جامعه هدف و خود اهالی صنعت رودررو ارتباط داریم و نیازی به برخی بروکراسی‌های اداری هم نیست».

دکتر یدالله مهرعلیزاده و دکتر بهروز دری از دیگر سخنرانان این نشست بودند که در ادامه مطالب خود را ارائه کردند.



در ادامه دکتر هدایتی ضمن بیان اینکه باقی ماندن اصحاب علوم انسانی در حوزه نظری کفایت نمی‌کند و باید نظرات را به عمل و کارکرد نزدیک کرد، گفت: «به نظر می‌رسد از دانش علوم انسانی تا حدی غفلت شده و طی این سال‌ها کمتر به آن اعتنا شده است. این گسستی که بین علوم انسانی و صنعت رخ داده است نتایج خیلی میمون و مبارکی نخواهد داشت، به همین دلیل این دغدغه را بین ما و دوستان صنعتی‌مان ایجاد کرد که باید یک دست بیعتی و یک زبان و ادبیات آشنایی را پیدا کنیم برای اینکه بیشتر بهم نزدیک بشویم بیشتر از هم بهره مند شویم. ما افرادی که بیشتر حوزه نظری و علوم انسانی را خوانده‌ایم بیشتر نیازمندیم که بدانیم صنعتی‌ها چه نیازی دارند که به آن پرداخته شود و از آن طرف هم قطعاً نیاز هست از دانش انسانی بهره‌مند شوند. این مسأله باعث شد یک جرقه‌ای ایجاد شود و این همایش مولود یک نشست تخصصی است که با پیشنهاد آقای دکتر نزاکتی با شرکت مینا داشتیم و خدمت آقای علیخانی از ایران خودرو بودیم. این نشست ذهن آقای دکتر قبادی را درگیر کرد و فرمودند چرا اینقدر کوچک این نشست را برگزار می‌کنید و این حرف بسیار بزرگی هست که اگر ادعا داریم بین علوم انسانی و صنعتی پیوند باشد. جلسات و مذاکرات بعدی منجر به تهیه پروپوزال و بحث‌هایی در وزارت خانه و تبدیل به این همایش شد و هدف‌های در حال توسعه هستند و ما ریشه‌هایش را در دل جامعه پیدا می‌کنیم و برای برگزاری این همایش دست یاری به سوی شما دراز کردیم. همایش ما تکیه بر سیاست‌گذاری‌هایی دارد که ما برای ترویجی‌سازی دانش در پژوهشگاه علوم انسانی داریم. چند سالی هست که پژوهشگاه رسالت و هدف خودش را به سمت مسئله‌مندی اجتماعی سوق می‌دهد و مسائل و مشکلات جامعه را دغدغه‌های خودش کرده است و به سمتی می‌رود که دانش را ترویجی‌تر کند».

وی ضمن بیان محورهای همایش و کارگروه‌های تخصصی تشکیل شده، اعلام کرد: «جایزه‌ای خواهیم داشت تحت عنوان جایزه دکتر عظیمی آرانی. لذا به دنبال شناسایی صنایعی هستیم که تجربه موفقی در رابطه با علوم انسانی داشته‌اند. چشم انداز آتی این همایش این است که با کمک شما بزرگواران ما در آینده «انجمن علمی و پژوهشی حرفه‌ای علوم انسانی و صنعت» تاسیس کنیم. ما یک ساختار دبیرخانه‌ای ۵ ساله را تعریف کردیم تمامی نشست‌های تخصصی، سخنرانی‌ها و جلساتی که برگزار می‌شود مستندسازی می‌شود و طرح‌های پژوهشی، مقالات یا ایده‌های پژوهشی صورت‌بندی می‌شود و آنهایی که می‌تواند حمایت شود به سازمان‌ها معرفی خواهد شد».

دکتر دری، دبیر علمی همایش، ضمن اشاره به اینکه یکی از مقاصد این جلسه کمک به تقویت کارگروه‌ها از جهت حرفه‌ای و تخصصی است، گفت: «ما به دنبال یک بسترسازی مناسب برای برگزاری همایش هستیم اگر ما بتوانیم به فضا سازی بهتر این همایش دامن بزنیم یک همایش عملیاتی خواهیم داشت هم در جهت جایگاه عظیم و رفیع پژوهشگاه علوم انسانی و هم جایگاه عظیم و رفیع حوزه صنعت و ظرفیت‌هایی که در کشور وجود دارد. اعتقاد شخصی من این است که اگر باور طرفین را به کار سازمان یافته هدف دار مسئله محور تبدیل کنیم موفق‌تر خواهیم بود. در ادامه مسئولان کارگروه‌ها نیز نظرات و مطالب خود را ارائه کردند».



پرونده خاشقچی و آینده ساختار قدرت در عربستان سعودی

نود و سومین جلسه از سلسله نشست‌های پژوهشکده نظریه‌پردازی سیاسی و روابط بین‌الملل با عنوان «پرونده خاشقچی و آینده ساختار قدرت در عربستان سعودی» با سخنرانی دکتر علی اکبر اسدی روز سه شنبه ۱۵ آبان ۱۳۹۷ برگزار شد.



مشروح سخنرانی از نظر تان می‌گذرد:

قتل جمال خاشقچی چهره منتقد سعودی در کنسولگری این کشور در استانبول به دلیل ابعاد مختلف سیاسی - امنیتی، حقوقی - جنایی، رسانه‌ای و انسانی به یکی از خبرسازترین موضوعات منطقه و جهان در هفته‌های اخیر تبدیل شده است. خاشقچی در ۲ اکتبر وارد کنسولگری شد و از آن خارج نشد. این مساله ابتدا از سوی نامزد خاشقچی اعلام و رسانه‌ای شد و با تاکید مقامات امنیتی ناشناس ترکیه بر قتل خاشقچی درون کنسولگری به سرعت به یکی از روندهای خبری اصلی در منطقه و جهان تبدیل شد. دولت عربستان در ابتدا بر خروج خاشقچی از کنسولگری اصرار کرد، اما با درز اطلاعات بیشتری از سوی شخصیت‌ها و رسانه‌های ترکیه، مواضع رهبران جهان و فشار افکار عمومی، مقامات سعودی قتل خاشقچی بر اثر درگیری و به صورت اتفاقی در کنسولگری را پذیرفتند. قتل خاشقچی باعث واکنش‌های بین‌المللی جدی و تغییر چهره بن سلمان و تردیدهای جدی در خصوص آینده سیاسی وی شده است. لذا پرسش اصلی این است که پرونده خاشقچی چه تأثیری بر آینده ساختار قدرت و جایگاه سیاسی محمد بن سلمان دارد؟

عربستان سعودی به عنوان جامعه‌ای در حال گذار با چالش‌ها و بحران‌های مختلفی روبروست. شکاف سنت و مدرنیسم به عنوان مهم‌ترین شکاف در این کشور است که باعث تقابل و رقابت نیروهای نوگرا و سنت‌گرا در این کشور شده است. در عرصه سیاسی مهمترین چالش عربستان انتقال قدرت به نسل جدید یا نسل دوم از فرزندان عبدالعزیز است. از دوره ملک عبدالله تشکیل هیئت بیعت و تعیین جانشین ولیعهد مورد توجه قرار گرفت. در دوره ملک سلمان با رویکردی انحصارگرایانه محمد بن سلمان به عنوان نخستین چهره جدید برای کسب قدرت مطرح شد. در عرصه اقتصادی مهمترین چالش عربستان عبور از اقتصاد نفتی است. نفت فرصت و توانمندی مالی و اقتصادی برای عربستان است اما نوسانات نفت و مشکلات دیگری مانند رشد جمعیت جوان آینده عربستان در دهه‌های آتی را با چالش‌هایی همراه می‌کند. چالش‌های اقتصادی باعث طراحی سند چشم‌انداز ۲۰۳۰ برای عبور از اقتصاد نفتی در سال‌های اخیر شده است. مجموعه این چالش‌ها موجب طراحی بن سلمان برای عبور از بحران‌های این کشور با الگوی موسوم به نوسازی اقتدارگرا شده که به ویژه در سند ۲۰۳۰ بازتاب یافته است. با وجود تلاش‌های بن سلمان اجرا و پیشرفت اهداف سند با موانع متعددی روبروست. اما علاوه بر چالش‌های ساختاری و موانع متعدد، قتل خاشقچی و تمرکز بر نقش بن سلمان در این



خصوص چالش‌هایی اساسی برای رهبران سعودی ایجاد کرده است. هر چند ترور و سرکوب منتقدین و معارضین مساله جدیدی در عربستان نیست، اما پرونده جمال خاشقچی به دلیل ابعاد مختلف و واکنش‌های صورت گرفته حوزه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و بین‌المللی عربستان و آینده بن سلمان را به شدت متاثر می‌سازد. در عرصه نظام سیاسی عربستان افزایش واگرایی درونی آل سعود، فرصت یافتن معارضین برای اظهار مخالفت و همگرایی، دلسردی و تردید همراهان بن سلمان برای همراهی، پیدایش زمینه برای منازعه و مخالفت بیشتر و تضعیف جایگاه بن سلمان در خاندان آل سعود قابل توجه هستند. در عرصه اقتصادی ضربه جدی به سرمایه‌گذاری خارجی و فرار سرمایه، شکست مگا پروژه‌ها مانند شهر نئوم و افزایش احتمال ناکامی سند چشم‌انداز ۲۰۳۰ از مهمترین اثرات قتل خاشقچی محسوب می‌شوند. در عرصه اجتماعی تغییر چهره بن سلمان از چهره‌ای اصلاح‌گرا به رهبر مستبد قبیله‌ای در داخل و خارج و کاهش مشروعیت وی در دو سطح، در نتیجه قتل خاشقچی اهمیت دارد.

در عرصه بین‌المللی پرونده خاشقچی باعث افزایش قدرت و نقش مخالفان بن سلمان و تضعیف حامیان خارجی وی شده است. در این عرصه رویکرد ترکیه پیشران اصلی موضع‌گیری‌های بین‌المللی بوده است. هدف اصلی ترکیه تضعیف بن سلمان و حذف وی از مسند ولیعهدی محسوب می‌شود. ترکیه با مدیریت امنیتی-سیاسی و رسانه‌ای مناسب و درز تدریجی اطلاعات رویکرد هدفمندی را در این خصوص در پیش گرفته است. تاکید اردوغان بر دستور مقامات ارشد برای قتل خاشقچی در کنار تبرئه ملک سلمان نشان می‌دهد که حذف بن سلمان هدف اصلی مقامات ترکیه است. همچنین قطر با پوشش رسانه‌ای کامل و تلاش برای تضعیف بن سلمان نقش مهمی در این خصوص داشت. ضمن اینکه کشورهای اروپایی واکنش جدی در مقابل قتل خاشقچی داشتند و با تاکید بر روشن شدن ابعاد پرونده و لزوم تغییر سیاست‌های سعودی از جمله در یمن در این خصوص اثرگذار بوده‌اند. در امریکا ترامپ به عنوان متحد اصلی بن سلمان در تنگنایی جدی قرار گرفته است. وی از یکسو به ابعاد فاجعه و حساسیت‌های جهانی آگاه است، اما از سوی دیگر به خدمات حکومت کنونی سعودی برای امریکا به‌خصوص همکاری در پرونده اسرائیل و مقابله با ایران اشاره می‌کند. در مجموع آینده بن سلمان به دو مؤلفه یا عدم قطعیت کلیدی بستگی دارد که شامل متغیرهای خارجی به خصوص رویکرد امریکا و ترکیه و دوم تصمیم و معادلات داخلی خاندان پادشاهی با محوریت ملک سلمان در خصوص آینده قدرت سیاسی بستگی دارد. در این چهارچوب سه سناریوی اصلی شامل حذف بن سلمان از مسند ولیعهدی، جنگ قدرت در خاندان سعودی و تداوم پرچالش ولیعهدی بن سلمان را می‌توان مورد بررسی قرار داد.



گزارش نشست «ارگونومی، حفظ قامت بدنی و تغذیه مناسب کارکنان» به مناسبت بزرگداشت هفته تربیت بدنی

به مناسبت هفته تربیت بدنی، معاونت فرهنگی - اجتماعی پژوهشگاه نشست «ارگونومی، حفظ قامت بدنی و تغذیه مناسب کارکنان» را در روز ۲۴ مهرماه برگزار کرد.

در این نشست دکتر محمدعلی پیرانی عضو هیأت علمی دانشگاه امیرکبیر (دکترای فیزیولوژی ورزش) ضمن بیان اهمیت ارگونومی، خاطر نشان کرد: «ارگونومی دانش بکار بردن اطلاعات علمی موجود درباره انسان در طراحی محیط کار است و به معنی دانش شناخت کار و رابطه افراد با آن کار است».

وی افزود: «آسیب‌ها و عوارض ناشی از عوامل مکانیکی و ارگونومیکی نامناسب شامل آسیب‌های ناشی از حرکت‌های تکراری، آسیب‌های ناحیه‌ای اسکلتی - ماهیچه‌ای، پینه بستن و بورسیت است. لذا توصیه‌های علم ارگونومیک برای یک زندگی سالم موارد متعددی را دربر می‌گیرد. از جمله این موارد می‌توان به ورزش، حرکات کششی، نوشیدن آب، عادت و برنامه خواب، ارزیابی محیط کار برای تغییرات ارگونومیک و ارزیابی ابزار کار اشاره کرد».

این استاد دانشگاه تأکید کرد: «ارتقاء فرهنگ بهداشت و ایمنی کار سبب کاهش آمار بیماری‌ها و حوادث ناشی از کار و در نتیجه افزایش بهره‌وری خواهد شد. لذا کارکنان با رعایت اصول ارگونومی در محیط کار، یک عمر کار همراه با سلامت جسمی و روانی و یک سالمندی با نشاط خواهند داشت ولی اگر اصول پیشگیری رعایت نشود، ایجاد بیماری ناشی از کار قطعی است». وی با ذکر مثال‌های متعدد در مورد درست نشستن و فواید استفاده از پستی طبی اظهار داشت: «درست نشستن می‌تواند مغز را شادتر کند و افراد با یک مغز شاد، روابط بهتری را تجربه خواهند کرد و عملکرد بهتری خواهند داشت».

وی در پایان ضمن بیان توصیه‌هایی در مورد تغذیه مناسب، خاطر نشان کرد: «یکی از نکات حائز اهمیت حفظ تعادل انرژی در بدن است. تعادل مثبت زمانی اتفاق می‌افتد که انرژی دریافتی از انرژی مصرفی بیشتر نباشد، اما تعادل منفی زمانی است که انرژی مصرفی بیش از انرژی دریافتی باشد. در همین رابطه می‌توان به تعریف سازمان بهداشت جهانی از چاقی و اضافه وزن اشاره کرد که آن را تجمع غیرطبیعی یا بیش از اندازه چربی در بدن می‌داند که سلامتی فرد را مختل می‌سازد. لذا، خطوط قرمز تغذیه ای را از قبیل برنج پرحجم، غذاهای سرخ‌کردنی، فست فودها، شیرینی، نوشابه گازدار و... را باید رعایت کرد».



ظرفیت‌ها و چالش‌های بین‌نسلی در ایران

روز سه شنبه ۲۲ آبان ماه نشست تخصصی «ظرفیت‌ها و چالش‌های بین‌نسلی در ایران» با حضور دکتر هادی خانیکی (استاد ارتباطات دانشگاه علامه طباطبایی)، دکتر جبار رحمانی (عضو هیأت علمی پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی) و دکتر سمیه توحیدلو (عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی) به همراه جمعی از پژوهشگران و کارشناسان حوزه جامعه‌شناسی، ارتباطات و مطالعات فرهنگی در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی برگزار شد.



در این نشست که در «کافه ارتباطات» پژوهشکده مطالعات فرهنگی و ارتباطات این پژوهشگاه برگزار شد، دکتر هادی خانیکی، استاد ارتباطات دانشگاه علامه طباطبایی به تغییرات گسترده جامعه طی سال‌های اخیر اشاره کرد و گفت: «برای بررسی گفت‌وگوی بین‌نسلی در ایران باید به این سؤال پاسخ داد که آیا طرفین این گفت‌وگوها برابر هستند و یکدیگر را به رسمیت می‌شناسند؟ در پاسخ این سؤال باید گفت، خیر. به طور مثال والدین دائم به فرزندان خود گوشزد می‌کنند که ما به این شکل درس نخواندیم و دائم تلاش می‌کنند این تفاوت‌ها را پررنگ کنند. نسل جدید معتقد است نسل‌های گذشته از خودراضی هستند و تنها برای داشته‌های خود ارزش قائل می‌شوند و هیچ اعتنایی به نسل جدید ندارند. همین دلایل باعث می‌شود. این نسل‌ها به درستی نتوانند با یکدیگر گفت‌وگو کنند. وی در پاسخ به این سؤال که چرا گفت‌وگوی میان‌نسلی در ایران دشوار است، گفت: «عدم وجود طرفین برابر و نداشتن دغدغه مشترک از مشکلاتی است که باعث شده گفت‌وگوی میان‌نسلی در ایران مشکل شود».

به گفته خانیکی، براساس تحقیقات می‌توان چند علت را از دلایل کاهش گفت‌وگوی میان‌نسلی دانست: «نخست اینکه میزان رضایت جوانان ایرانی از زندگی و احساس آزادی در آنها پایین‌تر از کشورهای دیگر است. دوم آنکه شبکه‌های اجتماعی جوانان با واقعیت‌های وجودی آنها یکسان نیستند. همچنین، تحقیقات نشان می‌دهد دغدغه‌های اقتصادی در میان جوانان نسبت به کشورهای دیگر بالاتر است. همچنین، جوانان در حالی که حساسیت بالایی نسبت به مسائل سیاسی دارند به نهادهای رسمی کشور و گروه‌های مرجع بی‌اعتماد هستند». این استاد رسانه درک تغییرات ایجاد شده از سوی نسل‌های گذشته را مهم‌ترین راهکار وضعیت موجود دانست و گفت: «مسئولان تنها رهنمود می‌دهند اما گوش شنوایی ندارند. نسل‌های گذشته هم تغییرات گسترده نسل‌های جدید را نمی‌پذیرند. بنابراین، ابتدا باید این چالش‌ها را حل کرد تا گفت‌وگو در جامعه افزایش پیدا کند».



وی در ادامه افزود: «فضای خانواده‌ها پس از اتفاقات ۸۸، آرام‌تر شده است. به طوری که دیگر اعضای خانواده به علت تفاوت در عقاید با یکدیگر کمتر مجادله می‌کنند اما این به تنهایی کافی نیست و همین شرایط باید در مدرسه، سازمان‌های مردم نهاد و جامعه فراهم شود. پدیده جوانی را می‌توان هم فرصت دانست و هم تهدید، متأسفانه نتوانستیم به درستی از فرصت جوانی استفاده کنیم. در این زمان، نهادهای اجرایی نیز تنها به تخلیه شدن انرژی جوانان فکر می‌کنند و تلاش می‌کنند با فرستادن آنها به استادیوم، کمک به زلزله‌زدگان و... این انرژی را تخلیه کنند».

در ادامه جبار رحمانی، عضو هیأت علمی پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری نیز با اشاره به اتهام‌هایی که از سوی نسل‌های قدیمی به دهه‌های جدید نسبت داده می‌شود، گفت: «اتهام‌هایی از سوی نسل‌های گذشته به نسل‌های جدید نسبت داده می‌شود. اینکه آنها خوشگذران هستند و مسئولیت پذیر نیستند؛ اما واقعیت آن است که نسل جدید نسبت به نسل‌های گذشته با خود صادق‌تر است».



وی افزود: «در خانواده‌های ما اغلب دعوا و نزاع بر سر قدرت است. به همین خاطر دعوای آنها اغلب به نزاع بر سر قدرت و پذیرش اقتدار برمی‌گردد. رحمانی با اشاره به اینکه در حال حاضر الگوی اصلی روابط خانواده بر اساس رابطه عمودی و براساس قدرت شکل گرفته و کمتر در آنها رابطه افقی و همدلانه دیده می‌شود، گفت: «نمی‌توان گفت که در خانواده‌های ایرانی گفت‌وگو اصلاً وجود ندارد. گفت و گو وجود دارد ولی میزان آن کم است. خانواده‌های ایرانی اغلب از مهارت‌های گفت‌وگو برخوردار نیستند و برای یادگرفتن این مهارت‌ها لازم است از خودخواهی‌های خود کم کنند».

همچنین سمیه توحیدلو، عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی نیز گفت: «در طبقه‌بندی بین نسل‌ها موضوع انقلاب و جنگ از تمام مسائل پررنگ‌تر از مسائل دیگر است و هنوز این دو اتفاق معیار طبقه‌بندی نسل‌هاست. لازم است افق دید نسل‌های مختلف به یکدیگر نزدیک شود تا گفت‌وگو بین نسل‌ها تقویت شود. نزدیک به ۷۰ درصد از جمعیت کشور ما را نسل جدید تشکیل می‌دهند این درحالی است که این جمعیت هنوز در سایه نسل قدیمی‌تر خود زندگی می‌کند».

در بخش پایانی نشست نیز حاضرین سوالات خود را مطرح کردند.



گزارش دومین نشست شورای سیاست گذاری همایش ملی ارتباط علوم انسانی، تولید و صنعت

چهارشنبه، ۲۳ آبان ماه، دومین نشست تخصصی شورای سیاست گذاری این همایش برگزار شد. حسینعلی قبادی، رئیس پژوهشگاه، در این نشست، با تاکید بر ارتباط دوسویه علوم انسانی و صنعت صحبت کرد. به همین خاطر هدف این همایش را «تعریف الگوی اختصاصی ارتباط کارساز علوم انسانی و صنعت» معرفی کرد. این الگوی ارتباطی قرار است ارتباط ساده علوم انسانی و صنعت را به چالش بکشد و نوع جدیدی از درک پیوند میان علوم انسانی و صنعت را نشان دهد. ارتباط علوم انسانی و صنعت همواره با ساده سازی و الگوگیری های بیرونی صورت گرفته است و به ساختن یا کمک به ایجاد یک ارتباط اختصاصی کمتر فکر شده است.



آنچه در جلسه دوم شورای سیاست گذاری همایش ملی ارتباط علوم انسانی، تولید و صنعت مشهود بود، عزم جزم علوم انسانی ها در پایان دادن به تعریف ها و بازتعریف های ارتباط علوم انسانی و صنعت بود. باور عمومی در این نشست، بر ضرورت ایجاد ارتباط علوم انسانی و صنعت، به جای تعریف این ارتباط، تمرکز داشت.

به کارگیری علوم انسانی و اجتماعی در هر جامعه ای، یکی از زیرشاخه های مهم خود را در حوزه صنعت نشان می دهد. این ارتباط در جامعه ایران با وجود حضور صدوپنجاه ساله نهاد علم مدرن در کشور، هنوز و همچنان سویه های کارساز خود را نشان نداده است. وقتی از ارتباط دو پدیده سخن می گوئیم که هر دو قدرتمند و برابر باشند. در صورتی که دو نهاد علم و صنعت در ایران، چنان ضعیف هستند که نیازمند کمک از بیرون به نظر می رسند تا این دو را به پیوند و ارتباط سوق دهد.

گرچه این فقدان ارتباط میان نهاد علم و حوزه صنعت را در علوم فنی و مهندسی نیز شاهدیم؛ با این حال علوم پیش گفته به خاطر ماهیت عینی و انضمامی خود، غالباً از اتهام غیر کاربردی بودن مبرا می شوند. می ماند علوم انسانی و اجتماعی که باید نشان دهند کاربرد یا بکارگیری شان در حوزه صنعت چه نفعی دارد؟!

اکنون روشن است که این خلا ارتباطی، یک نقص نهادی و ساختاری دوسویه است؛ با این حال صحبت از علوم انسانی و صنعت همواره یادآور ارتباطی تک‌سویه با جهتی از سوی علوم انسانی به سمت صنعت است. به بیان دیگر، وقتی از ارتباط میان علوم انسانی و صنعت سخن گفته می‌شود، همواره این مدل ساده به ذهن متبادر می‌شود که صنعت با ارائه نیازهای خود، دست استمداد به سوی علوم انسانی دراز کند و حل مسائل درونی یا آسیب‌شناسی پیامدهای اجتماعی خود را از علوم انسانی و اجتماعی طلب کند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، در چنین فضای فکری یک‌طرفه‌ای، بر آن شده است تا این تعریف یک‌سویه از ارتباط صنعت و علوم انسانی را مخدوش کند و چشم‌انداز نوینی از چنین ارتباطی را پیش روی کشور بگذارد. این چشم‌انداز چیست و چگونه تحقق‌پذیر است؟

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی در نظر دارد با برگزاری همایش ملی ارتباط علوم انسانی، تولید و صنعت، نوع جدیدی از ارتباط علوم انسانی و صنعت را پایه‌ریزی کند. این همایش که قرار است خروجی محور باشد و بر محتوا و نتایجش تاکید می‌شود، اسفندماه سال جاری برگزار خواهد شد. به دلیل تاکید روی همین محتوا و خروجی است که این روزها و هفته‌ها، جلسات متعددی با حضور مسئولین اجرایی تراز اول کشور در پژوهشگاه برگزار می‌شود.



تحلیل انتقادی سیاست‌های فرهنگی مد و لباس

روز دوشنبه ۲۳ مهرماه ۱۳۹۷ نشستی تخصصی با موضوع؛ «تحلیل انتقادی سیاست‌های فرهنگی مد و لباس» با سخنرانی دکتر فاطمه براتلو و شریف رضوی در پژوهشگاه برگزار شد که چکیده بحث‌های مطرح شده در این نشست از نظر تان می‌گذرد:



اگر پدیده‌های اجتماعی را واقعیاتی عینی، ملموس، جمعی، شایع و قابل تبیین بدانیم، می‌توان پدیده مد را پدیده‌ای اجتماعی محسوب کرد. این پدیده اجتماعی (به‌ویژه) در قامت شیء لباس خود را متجلی می‌کند. برخلاف آنکه شیء لباس به خودی خود خنثی محسوب می‌شود، وجه کاربردی لباس (به خصوص در ۱۰۰ سال اخیر) در مجاورت تطور نظام‌های معنایی تغییر کرده است. این تغییر در فرهنگ‌ها و جوامعی که لباس و میزان پوشیدگی آن بخشی از ارزش‌ها و هنجارهای آن را می‌سازد سبب بروز مسائل اجتماعی متعددی شده است.

دانیلینلوزیک معتقد است مسأله اجتماعی پدیده‌ای است که مطابق انگاره عمومی در خصوص آن چیز غلطی وجود دارد، که مشکل‌زا و شایع اما قابل تغییر است. با چنین نگاهی می‌توان پدیده مد را در ایران معاصر یک مسأله اجتماعی در نظر گرفت. به نظر می‌رسد دیدگاهی مشابه سبب شده تا بویژه در ده سال اخیر دست‌اندرکاران و قانون‌گذاران به فکر سیاست‌گذاری و سیاست‌ورزی در این حوزه باشند. این در حالیست که اگرچه پدیده مد در ایران معاصر عمری بیش از ۶۰ سال ندارد، اما ریشه مسأله اجتماعی تغییر لباس را می‌توان از اواسط دوره قاجار مشاهده کرد. به طور خلاصه اگر با اغماض تغییرات در پوشش بانوان و وجوه نمادین حجاب (به عنوان یک پدیده اجتماعی قابل رویت) را مورد بررسی قرار دهیم حیات و نقاط عطف این پدیده در ایران را می‌توان به شرح زیر تقسیم‌بندی کرد:

پیش از انقلاب:

- ۱) تا پیش از عصر قجری در قامت پوشش سنتی ایرانیان: اقوام و شهرنشینان (نوعی عامل تمایزبخش دینداری و بی‌دینی و شکل‌دهنده مرزبندی‌های اعتقادی بوده است)،
- ۲) در عصر قجری و اولین مواجهات مستقیم با غرب در حوزه لباس (موضوع حجاب، با سیاست و حکومت درآمیخت و حکومت ضدحجاب، ترقی‌خواه نامیده شد)،
- ۳) لباس در دوران مشروطه تا انقلاب اسلامی (اجماع روشنفکران بر تغییر لباس زنان و بی‌حجابی، ریشه



سیاسی شدن موضوع حجاب به پیش از انقلاب اسلامی باز می‌گردد).

پس از انقلاب:

- ۴) حجاب در سال‌های جنگ تحمیلی (قانونی شدن حجاب، دین اجتماعی، آغاز جرقه‌های مدرنیته)،
- ۵) حجاب پس از جنگ تحمیلی (دوره سازندگی: سنخ‌شناسی جدیدی از حجاب با اتیکت «برتر» و «غیربرتر» جایگزین «باحجاب» و «بدحجاب» شد، پدید آمدن دوگانه‌هایی نظیر چادری-مانتویی)،
- ۶) حجاب پس از سازندگی (دوره اصلاحات)
- ۷) حجاب پس از اصلاحات (دوره عدالت‌خواهی)
- ۸) حجاب در دوره اعتدال

پیشینه قانون‌گذاری در خصوص لباس به دهه ۷۰ و ۹۰ شمسی بر می‌گردد، به نحوی که در خلال سال‌های ۱۳۶۲-۱۳۸۵، شش قانون مرتبط با پوشش در حوزه‌های مختلف تصویب شد اما هیچکدام از این قوانین به طور مستقیم در خصوص مد نبودند. زمزمه‌های قانون‌گذاری مرتبط با حوزه مد به رهنمودهای رهبری در دیدار با اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی در سال ۱۳۸۱ و در دیدار با مردم همدان ۱۳۸۳ باز می‌گردد که منجر به پیگیری و تصویب قانون ساماندهی مد و لباس تصویب شد در سال ۱۳۸۵ شد.

با این وجود به نظر می‌رسد بر خلاف بیان کلی یگانه قانون مستقیم مرتبط با مد و لباس کشور، این قانون و ساختارهای ایجاد شده مرتبط با آن به دلیل عدم توجه و پاسخگویی به سوالات اصلی مبتلا به همچنان اثرگذاری لازم را برای مواجهه با تغییرات مستمر پدیده مد پیدا نکرده‌اند و در مواردی نه تنها نسخه‌هایی عینی از آنچه آن را مد ایرانی-اسلامی می‌دانند ایجاد نشده بلکه، موارد ایجاد شده بازتولید سوژه‌هایی هستند که نفس قانون‌گذاری برای تقابل با آنها صورت گرفته بود. با توجه به آنچه بیان شد به نظر می‌رسد مسئولین ذیربط در تمهیدات فرهنگی آتی و احتمالاً بروزرسانی قوانین و مقررات مرتبط می‌بایست به طور جدی سوالات زیر را پاسخ دهند:

۱. آیا می‌توان پدیده مد اسلامی-ایرانی را به عنوان یک شیء تمدنی دست ساخته بشر عینیت داد؟
۲. اشیاء (کالای مد یا البسه) دارای خصوصیت یا صفت ایرانی-اسلامی بودن حائز چه مشخصاتی هستند؟ آنها را با چه خصوصیتی می‌توان توصیف کرد؟ این شیء ایرانی-اسلامی حامل چه معانی، مفاهیم و یا پیام‌هایی است؟
۳. تفاوت شیء مد ایرانی اسلامی با نمونه‌هایی که هم اکنون با سوژه غربی ساخته می‌شوند، چیست؟



تحولات اجتماعی نواحی غربی ایران در سال‌های جنگ جهانی اول

نهمین نشست از سلسله نشست‌های «حیات اجتماعی ایران در سال‌های جنگ جهانی اول» با عنوان «تحولات اجتماعی نواحی غربی ایران در سال‌های جنگ جهانی اول» به همت پژوهشکده علوم تاریخی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی و انجمن ایرانی تاریخ در تاریخ ۱۹ آبان ماه ۱۳۹۷ برگزار شد. در این نشست دکتر الهام ملک‌زاده، دکتر علی ططری و مظهر ادوای به ارائه سخنرانی خود پرداختند.



در ابتدا دکتر الهام ملک‌زاده سخنان خود را با موضوع «قحطی نواحی غربی ایران (منطقه آذربایجان و خوزستان) طی جنگ جهانی اول؛ با تأکید بر اسناد آرشیو ملی ایران» اینگونه ایراد کرد؛ «در حالی که در سال ۱۳۳۵ق، موجودی غله دولت در انبار اداره دارائی آذربایجان تنها سه هزار خروار بود، قحطی و خشکسالی سال‌های ۱۳۳۵ و ۱۳۳۶ق مشکلات معیشتی جدی ایجاد نمود. بخش عمده‌ای غله برای پخت‌نان مخفیانه در بازار سیاه فروخته می‌شد. حاکم اردبیل امیرالسلطنه با همکاری اعضای حزب فرقه دموکرات کمیسیون از سران دموکرات تشکیل داد و در مورد تأمین نان مردم تصمیماتی اتخاذ کردند. آنها با گرفتن اختیار تام، تأمین نان مردم را به عهده گرفت.»

وی در ادامه گفت: «کمیسیون مزبور با تشکیل یک انجمن خیریه، از ازدحام جلوی نانوائی‌ها کاست. تهیه آرد و غله مورد نیاز مردم عاملی بود که کمیسیون را مجبور کرد تا پایان دوره قحطی آن را تأمین کند. برای رفع مشکلات افراد خیر شهر به کمک اعضای دموکرات آمدند. در ۲۳ ربیع الثانی ۱۳۳۵ق ۲۴ دلو ۱۲۹۵ش، گزارشی از اداره مالیه آذربایجان به وزارت مالیه رسیده که در آن درخواست شد که تمام عایدات انبار گندم دولتی که همان عایدات فروش گندم بود به کمیسیون ارزاق تحویل شود. اداره مالیات نیز به ناچار با این درخواست موافقت و صد هزار تومان از عایدات انبار را به کمیسیون ارزاق پرداخت نمود. در همان ایام در اواخر بهار ۱۲۹۶ش، به سبب بالا رفتن مصرف نان شهر که علت اصلی آن ورود سی و دو هزار نفر از قشون دولت روس در شهر بود، پیشکارکل، روزی پنجاه خروار (سه ربع گندم و یک ربع جو) از قرار بیست تومان و سیزده تومان به خبازخانه داده شد. اما موجودی انبار کافی نبود. اسناد موجود، نشان می‌دهند شکایت و فریاد مردم قحطی زده از کمبود و گرانی نان به تهران رسید. در ۷ دلو [بهمن] ۱۲۹۶ش، اداره محاسبات کل وزارت مالیه درباره اوضاع آذربایجان گزارشی برای به وزارت داخله فرستاد و در آن تصریح کرد، ایالت آذربایجان برای تهیه و خرید آذوقه و رفع سختی که مردم به آن دچار شده‌اند، از طریق اداره مالیه آذربایجان درخواست هفتاد هزار تومان اعتبار کرده بود تا با استفاده از آن، کمیسیون آذوقه بتواند از نقاط دیگری غله خریداری کند. برای تهیه بخشی از این هفتاد هزار تومان، قرار شد از غله موجود در انبار مالکان آذربایجان مالیات مخصوصی به نام مالیات غله گرفته شود. اما این کار یا به سبب جنگ و عوارض حاصل از آن یا به دلیل نفوذ مالکان در

اداره‌های دولتی به کندی پیش می‌رفت. سرانجام مالکان به سه دسته «متمول، متوسط و بی‌پا» تقسیم شدند و بنا بر همین تقسیم‌بندی، قرار شد بدهی مالیاتی «ملاکین متمول را از قرارخواری شصت [تومان] و متوسطین را از قرار چهل تومان و مؤدیان بی‌پا را از قرار نرخ سرخرمن تسعیر نمایند» و پول‌های دریافتی را صرف خرید غله کنند. در ۹ عقرب [آبان] ۱۲۹۷ش، اداره مالیه تبریز در تلگرافی به وزارت مالیه به اطلاع رساند: «به درخواست عموم، عمل نان به مسیو مولیتور رئیس گمرکات واگذار شد تا با اقدامات مُجدّانه وی» شاید «کارغله امسال با این خشکسالی در شهر طوری بگذرد». در آن سال‌های جنگ و کشتار، کشاورزان آذربایجان نتوانستند بذر غله و حبوبات را در زمین‌های ذراعی بپاشند و آنچه هم کاشتند یا نرسیده لگدکوب سم ستوران شد یا وقتی به بار نشست به غارت رفت.»

در ادامه آقای ادوای سخنان خود را با موضوع «علل قحطی و گرانی در کردستان طی جنگ جهانی اول؛ با تأکید بر اسناد وزارت خارجه و دست‌نوشته‌های محلی» بیان کرد. وی با بیان ساختگی و مصنوعی بودن قحطی‌ها در این دوره از شواهد متعدد نقض قحطی در کردستان در ۶ مورد کلی یاد کردند؛

۱. بارش برف و باران در تمام سال‌های جنگ جهانی اول
۲. نبود گزارش و سند در مورد آتش زدن مزارع گندم.
۳. نبود گزارش و سندی مبنی بر خشکسالی.
۴. صادرات گندم به کرمانشاه و همدان.
۵. نبود گزارش و سندی در مورد خرابی و به عمل نیامدن محصول.
۶. میهمانی‌های اشرافی با انواع نان‌ها، خوراکی‌ها و شیرینی‌ها در گروه‌های ۱۵۰۰ نفری توسط اعیان، رؤسای احزاب و خاندان‌ها در بیرون شهر سنندج.

وی عامل اول و نه اساساً مهم‌ترین عامل قحطی در کردستان را حضور نیروهای خارجی (روسی، عثمانی، انگلیسی) دانست و گفت: «هر کدام از این سه کشور، به چند روش برای دستیابی بیشتر به گندم استفاده می‌کردند. روس‌ها برای به دست آوردن گندم به خرید آن با قیمت پایین، تهدید و زور، غارت شهر و روستاها، مذاکره با اعیان و متنفذین محلی، دستور از دولت مرکزی اشاره کرد. عثمانی‌ها نیز از دو روش برای دستیابی به گندم استفاده می‌کرد که یکی غارت شهر و روستاها مثل در بیجار بود و دیگری گرفتن اعانه بود برای جهاد علیه کفار (روس‌ها و انگلیسی‌ها بود). اما انگلیسی‌ها که مدت کمتری در کردستان حضور داشتند مانند نواحی دیگر همچون کرمانشاه و همدان، پس از ورود به کردستان خیلی زود وارد مذاکره با مالکین و زمینداران شدند و گندم‌هایشان را از این طریق جمع‌آوری کردند. عامل دوم در قحطی‌ها اعیان و مالکین بودند. آن‌ها با توسل به روش‌هایی مانند راه‌اندازی تحصن و اعتراض و همراه کردن مردم با خود، معامله و مذاکره با نیروهای خارجی، احتکار گندم برای مدت ۵ تا ۷ سال، درخواست قیمت‌های بالا برای دادن گندم به نانوایی‌ها و تهیه نان مردم و همدستی با نانوایان، هر چقدر توانستند با سوء استفاده از شرایط پول‌های بیشتر به جیب زدند.»

دکتر ادوای در ادامه گفت: «مردم نیز برای مقابله با اعیان از دو روش استفاده کردند که یکی بست نشستن و تحصن و دیگر شورش علیه آن‌ها بود که البته گاه موفقیت‌های نسبی نیز در این راه حاصل کردند. عامل سوم خاندان‌ها و احزاب بودند. حکمرانان و رؤسای ادارات نیز به عنوان آخرین عامل نقش قابل توجهی را در این قضیه بر عهده داشتند. اگر حاکم مقتدر بود و باجی به هیچ گروهی نمی‌داد، مشخصاً در رفع قحطی و گرانی نقش مهمی داشت، اما اگر رشوه‌گیر بود با دیگر عوامل همکار می‌شد و مردم را بیش از پیش در معرض گرفتاری‌های ناشی از گرانی قرار می‌داد. مسئله قحطی و گرانی نان که در شکل‌گیری‌اش، عوامل زیادی نقش داشتند، در مواردی، از سوی برخی عوامل شکل‌دهنده‌اش مثلاً اعیان و مالکین به عنوان ابزاری برای برکناری و حذف عاملی دیگر مانند حکمرانان مورد استفاده قرار می‌گرفت. البته حذف عاملی از سوی عاملی دیگر، با واسطه گرانی نان، فقط برای یک عامل نبود، بلکه تقریباً تمامی عواملی که در شکل‌گیری مسئله گرانی نقش داشتند، از آن، برای حذف عامل مقابل استفاده می‌کردند. البته قدرت عامل‌ها برای حذف یکدیگر به مسائل دیگری هم ارتباط



داشت. اول داشتن گندم برای ایجاد قحطی و گرانی مصنوعی و رفع آن. دوم، تلاش برای انتخاب نمایندگان مجلس شورا از طبقه، خاندان و یا حزب خود، سوم ارتباط داشتن با طوایف کردستان به ویژه گلباغی، مندمنی و همچنین حاکمان و رؤسای شهرها و روستاهای کردستان و چهارم فرستادن سوغات و دادن رشوه به مقامات حکومت مرکزی».

در خاتمه دکتر ططری سخنان خود را در موضوع «بررسی تبعات جنگ جهانی اول بر همدان؛ با تأکید بر اسناد مجلس شورای ملی» ایراد کردند. وی سخنان خود را در حوزه جغرافیای ولایت ثلاث (ملایر، تویسرکان و نهاوند) سامان داد و با ذکر مقدمه‌ای درباره ضرورت پرداختن به آثار و پیامدهای جنگ جهانی اول توسط اهالی تاریخ و سیاست بحث خود را در دو بخش ایراد کردند. در بخش نخست بسترها و زمینه‌های قحطی در ولایت ثلاث و در بخش دوم به نتایج و تبعات این وضعیت در منطقه پرداخت. براساس اسناد حدود ۲۰ دلیل برای قحطی که در منطقه ثلاث رخ داد شناسایی شد. مناطق غربی ایران برای انگلیس بسیار مهم بود. آنها در همدان هم کنسولگری داشتند و اقدامات زیادی برای نفوذ در بین مردم انجام دادند در کنار اقدامات اجتماعی و اقتصادی گسترده، آنها اقدام به تشکیل تیم فوتبال در همدان کردند. همدان حدود ۵۰ هزار نفر جمعیت داشتند. حدود ۱۲۰۰ نفر از انگلیسی‌ها در این ولایت حضور داشتند. روس‌ها نیز در مناطق غربی ایران منافع بسیاری داشتند آنها می‌خواستند آذربایجان شرقی و غربی ایران را می‌خواستند به خودشان ملحق کنند. روس‌ها در این زمان صادرات خود به ایران را چهار برابر افزایش دادند. حضور نیروهای عثمانی در همدان نیز مصیبت دیگری بود که سعی می‌کردند با شعار جهاد علیه کفار ایرانیان را علیه انگلیسی‌ها و روس‌ها بشورانند».

وی ضمن بیان اینکه این کشورها در همدان طرفدارانی نیز در میان عشایر و ایلات و مسئولان داشتند که اوضاع را بسیار پیچیده می‌کردند، گفت: «حاکم دولتی همدان در این میانه چه می‌توانست کند؟ آب و هوای نامساعد نیز بر پیچیدگی اوضاع افزود. برودت و سرمای شدید هوا و یخ‌زدگی زمین سبب کاهش و یا منتفی شدن کشاورزی در این برهه می‌شود. روسیه بدنبال درآمد بیشتر فشار بر بلژیکی‌ها که مستشاران مالی دولت ایران هستند را افزایش می‌دهد. در این میانه چند نفر از آنها در همدان کشته می‌شوند و بقیه منطقه غرب را ترک می‌کنند و این امر به پریشانی مالی و کاهش درآمد می‌انجامد. در چند جبهه در اطراف همدان خط مقدم جنگ بین نیروهای عثمانی و روسی شکل گرفت. در سال ۱۹۱۶-۱۹۱۷ پنج بار شهر همدان بین این دو نیروی خارجی دست به دست می‌شود. این امر موجب می‌شود که قحطی شدیدی در منطقه شکل بگیرد و مردم بسیار در مضیقه قرار می‌گیرند. آفات کشاورزی و زراعی و امراض حیوانی نیز در این زمان شیوع می‌یابد. مالیات‌های حکومتی افزایش می‌یابد. برخی ایلات بطور سنتی غارت‌های فصلی داشتند و در سال چند بار به شهرهای اطراف حمله می‌کردند که در این دوره افزایش یافته بود. مرگ و میر نفوس تا حد یک پنجم جمعیت شهر یعنی حدود ده هزار نفر اتفاق می‌افتد».



جنگ جهانی اول و میسیونرها در ایران

هشتمین نشست از سلسله نشست‌های «حیات اجتماعی ایران در سال‌های جنگ جهانی اول» با عنوان «جنگ جهانی اول و میسیونرها در ایران» به همت پژوهشکده علوم تاریخی و انجمن ایرانی تاریخ در تاریخ ۳۰ مهرماه ۱۳۹۷ برگزار شد. در این نشست دکتر ویدا همراز و دکتر صفورا برومند به ارائه سخنرانی خود پرداختند.



در ابتدا دکتر برومند پس از ارائه مقدمه‌ای در باب چگونگی حضور میسیونرها در دوره قاجار و مقدمات آغاز جنگ عالمگیر به ایراد سخنانشان پرداختند. ایشان گفتند در اثر قرارداد ۱۹۰۷ م. که پیش از آغاز جنگ است و ایران بین روسیه و انگلیس تقسیم می‌شود عاملی برای حضور پررنگ آنها در ایران به حساب می‌آید. همچنین منطقه آذربایجان و کردستان پیش از آغاز جنگ محل تنازعات روسیه و عثمانی گردیده بود. نیروهای روسی از شمال غرب و شمال تا مرکز ایران اعمال نفوذ می‌کنند و عثمانی‌ها مناطق غرب کشور را تحت نفوذ داشتند. انگلیسی‌ها نیز در جنوب از مدت‌ها پیش از آغاز جنگ حضور دارند. بنابراین اعلام بی‌طرفی ایران ثمری نداشت و کشور خیلی سریع دچار نقض بی‌طرفی دول درگیر جنگ گردید. اقلیت‌های ارمنی و آشوری نسطوری در مناطق غرب کشور که پایگاه عمده فعالیت‌های میسیونری بود به طور گسترده وارد منازعات شدند. شهر ارومیه مرکز مورد اقبال میسیونرها بود. توجهات میسیونرهای مختلف به مسیحیان بومی باعث خود بزرگ بینی آنها شده بود و این امر سبب گردید پایگاه آنها در میان مسلمانان تضعیف شود. از حیث ملیت گروه‌های میسیونری به آمریکایی، انگلیسی، فرانسوی، آلمانی و روسی تعلق داشتند که هر یک از آنها به فرقه‌های مختلف مسیحی منسوب بودند. برخی از این هیأت‌ها و فرقه‌ها شامل: میسیون شرق آلمانی، برادران دون کارد، جماعت کلیسای انگلیسی، کلیسای متحد لوتری آمریکا، انجمن انجیلی برای پیشرفت کلیسای نسطوری، برادران پریموس، باپتیست‌های شمالی و باپتیست‌های جنوبی و هیأت‌های شاخص دیگر. یکی از این هیأت‌های شاخص که در منطقه شمال غربی ایران حضور داشتند، هیأت تبلیغی پروتستان‌ها بودند که اولین نمایندگان آمریکایی در ایران بودند. آنها توانستند مدارس دخترانه و پسرانه و حتی شبانه‌روزی، بیمارستان و دیگر اماکن عام‌المنفعه بسازند. یکی از نمایندگان آنها باسکرویل بود که در حمایت از مشروطه اقدام کرد و در این راه کشته شد. میسیون لزاریست‌های فرانسوی که بسیار باسابقه بودند در منطقه حضور داشتند آنها کاتولیک بودند و مدرسه، بیمارستان و چاپخانه داشتند و به آموزش دختران اقدام می‌کردند. هیأت تبلیغی آلمانی که یکی از معروف‌ترین نمایندگانشان فاندرا بود که کتاب میزان الحق را نوشت و باعث شد سلسله رسالاتی در رد فعالیت مبلغان مذهبی تدوین شود. پس از محدودیت فعالیت‌های تبلیغی میسیون‌های آلمانی و آمریکایی توسط حکومت تزاری در قفقاز هیأت ارتدوکس روسی بسیار فعال شد و پس از قرارداد ۱۹۰۷ م. و ۱۹۱۵ م. فعالیت آنها در ایران گسترش یافت. روس‌ها ابتدا از روستاها تبلیغشان را آغاز کردند و به مرور کارشان با خشونت همراه شد. آنها به تصرف کلیساها و اموال و اماکن سایر میسیون‌ها می‌پرداختند برخلاف سایر میسیونرها که محافظه کارانه عمل می‌کردند. هیأت سر اسقف



اعظم کانتربری که مربوط به کلیسای اعظم انگلستان بود. فعالیتشان فقط بر آسوریان تمرکز داشت و به هیچ وجه اصراری بر تیشیر نداشتند. لباس آسوری‌ها را می‌پوشیدند و خود را با بومیان نسطوری کاملاً هم‌سطح و هم‌دست می‌کردند. تمام اعضای میسیون کانتربری فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌های معتبر انگلیس بودند مانند مک لین و براون. اینها فعالیتشان متمرکز شد بر تأسیس چاپخانه و به تحقیق در زبان سریانی پرداختند و بهترین متخصصان زبان سریانی شدند. آنها به فعالیت آموزشی نیز روی آوردند اما با آغاز جنگ جهانی اول حضورشان به شدت تضعیف شد. انجمن تبلیغی کلیسا که مربوط به کلیسای انگلیکن بود و یکی از موفق‌ترین میسیونرهای مذهبی است و تا پیروزی انقلاب اسلامی در ایران حضور داشته و شعبه‌هایی در اصفهان و کرمان و شیراز و یزد داشتند یکی دیگر از گروه‌های میسیونی فعال در ایران بود. این مقدمه‌ای از زمینه‌های حضور میسیونرها در ایران تا جنگ جهانی اول است که بیان شد.

در ادامه نشست دکتر همراز به عملکرد میسیونرها در سال‌های جنگ جهانی اول و تأثیر جنگ بر اقداماتشان پرداختند. تعدد قراردادهای سیاسی بیگانگان همچون ۱۹۰۷ م. و ۱۹۱۵ م. اجازه تحرک دیپلماتیک ایران را جهت حمایت از اتباعش را نمی‌دهد. تنوع اقوام و مذاهب در مناطق شمال و شمال غرب و جنوب ایران که میسیونرها اغلب در این مناطق حضور دارند مسائل را پیچیده می‌نمود. اقوامی که سال‌ها در کنار یکدیگر به‌طور مسالمت‌آمیزی زندگی می‌کردند بواسطه تحرکات نیروهای بیگانه در این مناطق درگیر شدند و منطقه دچار التهابات اجتماعی و نظامی شد. همزمان با جنگ جهانی اول شاهد رشد ناسیونالیسم قومی در میان مسیحیان شرق و از جمله ایران هستیم. میسیونرها و انجمن‌های دینی اروپایی و آمریکایی و دیپلمات‌ها دو دسته از بیگانگانی هستند که در منطقه حضور دارند. در سال‌های جنگ برخی میسیونرها جایگزین دیپلمات‌های اروپایی در منطقه می‌شدند. نیروهای نظامی بیگانه در شمال و شمال غربی ایران چالش اجتماعی بزرگی برای سکنه ایرانی ایجاد نمود و تمایل دو کشور روسیه و عثمانی به تصرف آذربایجان و دست به دست شدن ارومیه و شهرهای دیگر خسارات جانی و مالی بسیاری وارد آورد. عثمانی‌ها، مسیحیان و روس‌ها، کردها را مورد کشتار قرار می‌دادند. هزاران نفر از مسیحیان عثمانی و شمال عراق از ترس کشتار ترکان عثمانی به آذربایجان مهاجرت کردند و ترکیب جمعیتی منطقه را به طرز عجیبی برهم زد. زمانی که جنگ آغاز شد تمام گروه‌های میسیونی از مدتها قبل پایدار و دارای جایگاه مستحکمی بودند. با آغاز جنگ دولت‌ها از مبلغانشان خواستند منطقه را ترک کنند اما بسیاری از مبلغان مذهبی زیر بار هشدارهای پیاپی دولت‌های خود نمی‌رفتند. مثلاً میسیون‌های آمریکایی منطقه را ترک نکردند چون آنها از جانب گروه‌های غیردولتی حمایت مالی و تدارکاتی می‌شدند و همچنین چون آمریکایی‌ها وارد جنگ نشده بودند. از سال ۱۹۱۷ م. به بعد که آمریکا وارد جنگ شد میسیون‌های آمریکایی نیز مجبور شدند موضع‌گیری کنند. برخی مجبور شدند از منطقه خارج شوند و برخی نیز علیه عثمانی وارد جنگ شدند. آنها در موقعیتی ناخواسته قرار گرفتند و دست به سلاح بردند. بعد از خروج نیروهای تزاری از منطقه پس از انقلاب کمونیستس ۱۹۱۷ م. انگلیسی‌ها از آمریکایی‌ها تقاضای کمک کردند تا با کمک یکدیگر جایگزین نیروهای روسی در منطقه شوند. انگلیسی‌ها از آمریکایی‌ها خواستند میسیون‌های آمریکایی ریاست نیروهای مردمی و چریکی بومی منطقه را علیه عثمانیان بر عهده بگیرند که عمده آنها مسیحیان ارمنی و آسوری بودند. آمریکایی‌ها در دوره جنگ چرا از وظیفه تبلیغی خود فاصله گرفتند و وارد جنگ شدند؟ حمایت آمریکایی‌ها از گروه‌های مسلح و شبه نظامی و نامنظم بومی باعث شد که مردم منطقه از آنها آسیب فراوان ببینند و آمریکایی‌ها وجه مثبت خود را بشدت از دست دادند بطوری که پس از جنگ آنها فعالیت خود را در آذربایجان غربی و ارومیه به حالت تعطیل درآوردند و آنجا را ترک و مرکزشان را به تبریز منتقل کردند. میسیون ارتدوکس‌های روسی یکی دیگر گروه‌هایی میسیونی منطقه بودند. آنها با پشتوانه ارتش روسیه کلیساها و املاک سایر گروه‌های میسیونی را تصرف می‌کردند. آنها برخی از مسیحیان بومی ایران را مجبور به مهاجرت به روسیه کردند. عمده درگیری مسیحیان ارتدوکس با کاتولیک‌ها بود. دولت فرانسه که میسیون‌های کاتولیک از اتباع آنها بودند چون قوت و قدرتی در منطقه نداشتند مورد تهاجم میسیون‌های ارتدوکس قرار می‌گرفتند. خوش بخت‌ترین میسیون‌ها در ایران پس از جنگ جهانی اول انگلیسی‌ها بودند. پس از جنگ دومین مرکز اسقفی غیر انگلیسی کلیسای انگلیکن در ایران قرار گرفته بود.



زیبایی‌شناسی مجسمه‌های صلح و جنگ در ایران و هفت کشور

مرکز اسناد فرهنگی آسیا در ۱۳ آبان ۱۳۹۷، نشست علمی «زیبایی‌شناسی مجسمه‌های صلح و جنگ در ایران و هفت کشور (با تأکید بر ایران، چین، ژاپن)» را با سخنرانی استاد طاهر شیخ‌الحکمایی، دکتر محمد عارف، دکتر محمد نجاری، حسین عسگری، معصومه جهان بین و آزاده شیرازی در سالن حکمت پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی برگزار کرد.



در ابتدای این نشست دکتر محمد نجاری، در مقام دبیر علمی و سخنران نشست، به تاریخچه مرکز اسناد فرهنگی آسیا پرداخت و گفت: «طرح تأسیس مرکز اسناد فرهنگی آسیا در اجلاس وزرای فرهنگ کشورهای آسیایی در سال ۱۹۷۳ جاکارتا (اندونزی) ارائه شد و در سال ۱۹۷۵، در جلسه کمیسیون‌های ملی یونسکو در آسیا، در شهر دهلینو (هند) به تصویب رسید و به استناد بند ۴ اصلاحی از ماده هفتم قانون تأسیس شورای عالی فرهنگ و هنر مصوب دیماه ۱۳۵۵ در تهران افتتاح گردید. مرکز اسناد فرهنگی آسیا تحت نظارت یونسکو در تهران که در زبان فارسی به اختصار «مرکز اسناد فرهنگی آسیا» نامیده شد، فعالیت خود را به‌عنوان مرکز بین‌المللی و بر اساس برنامه تنظیمی مصوب جلسه مورخ چهارم تیرماه ۱۳۵۶ هیئت امنای مرکز از سال ۱۳۵۶ آغاز کرد و بودجه آن نیز به صورت کمک مالی از طریق وزارت فرهنگ و هنر وقت تأمین می‌گردید. پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران و با توجه به تغییر اوضاع و احوال کلی کشور، این مرکز ابتدا تحت نظارت وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی قرار گرفت. سپس، از اواسط دهه ۶۰ خورشیدی، در زیر مجموعه وزارت علوم تحقیقات و فناوری قرار گرفت و در اجلاس ۱۹۹۱ یونسکو بر ادامه فعالیت‌های آن تأکید شد. هم‌اکنون این مرکز بر اساس اساسنامه اولیه خود، در ساختار سازمانی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی قرار دارد و از سال ۱۳۹۴ خورشیدی، همسو با سیاست‌های دولت، برنامه ۵ ساله‌ای با عنوان «صلح پایدار و جهان‌عاری از خشونت و افراطی‌گری» ذیل برنامه راهبردی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی تدوین کرده است.»

نجاری با اشاره به اینکه اکنون در سال‌های میانی این برنامه راهبردی قرار داریم، گفت: «این مرکز در دور جدید فعالیت‌ها خواهد کوشید با تأکید بر نقش فرهنگ و هنر پرچمدار دیپلماسی صلح پایدار و جهان‌عاری از خشونت از سوی مراکز علمی کشور باشد و مجسمه‌سازی به عنوان یکی از دیرینه‌ترین میراث تمدنی بشر یکی از این هنرهاست که در دنیا دوسویه پیروزی و شکست، جنگ و صلح را به خوبی تصویر کرده است. اگرچه مجسمه‌سازی به تعبیر استاد بهرام بیضایی در مقدمه کتاب نمایش در ایران جزو هنرهایی است که در ایران پیش و پس از اسلام کمتر مورد توجه بوده است، اما در دوران معاصر این هنر از زمره هنرهایی است که در



سرفصل‌های درسی گنجانده شده و امروز به عنوان یک رشته دانشگاهی تدریس می‌شود. پیروزی انقلاب و جنگ تحمیلی هم فصل جدیدی در تاریخ مجسمه‌سازی ایران گشود که در دو حوزه جنگ و صلح به صورت‌های گوناگون تجلی یافته است.»

سپس استاد طاهر شیخ‌الحکمایی، مجسمه‌ساز مطرح و عضو هیأت علمی دانشگاه تهران، به سخنرانی پرداخت و گفت: «بشر از زمانی که پا بر هستی نهاد، با دشمنی نوع خود مواجه بود و فرزندان آدم (ع) به دست خود کشته شدند. در باقیمانده نخستین سفالینه‌های باقی مانده بشری، نقوش جنگ دیده می‌شود که در برخی موارد این نقوش پیروزی به تصویر کشیده شده است. در نقش برجسته‌های هخامنشی دست‌بسته بودن اسرا و کلاه‌های برداشته آنها دیده می‌شود. در مقابل، در نقش رستم شکست مشاهده شده است. بعد از اسلام اغلب مجسمه‌ها در ظروف و چوب و آثار ریخته‌گری مشاهده می‌شود. جنگ جهانی اول و دوم نمونه‌های روشنی از خلق مجسمه‌های پیروزی هستند. این اواخر در سوریه مجسمه آزادی در سوریه بازسازی شده است که آن نیز نشانه پیروزی است.»

استاد شیخ‌الحکمایی با اشاره به اینکه مجسمه‌ها می‌توانند روایی، خیال‌پردازانه و یا ترکیب این دو باشند و هر کدام کارکرد معنایی خاصی در انتقال مفاهیم صلح و جنگ دارند، به نمونه‌هایی از این مجسمه‌ها در کشورهای آسیایی اشاره کرد.

در ادامه دکتر محمد عارف، انسان‌شناس و دانشیار دانشگاه آزاد اسلامی، به ایراد سخنرانی پرداخت و گفت: «هنرمند درون جامعه زندگی می‌کند و از جامعه تأثیر می‌پذیرد، بنابراین فعالیت‌های عملی و آفرینش‌گری هنرمندان با ساختارهای اجتماعی دارای ارتباط متقابل هستند. هنرمندی که در جامعه زندگی می‌کند و با دغدغه‌های روزمره اجتماع درگیر است و آنها را از نزدیک لمس می‌کند، هنگام تولید اثر هنری تمامی آن موارد تأثیر خود را در اثر نشان می‌دهند. در واقع، آثار هنری را، نه صرفاً به زمینه‌های آشکار اجتماعی، بلکه بیشتر به آن زمینه‌های فرهنگی ربط داده‌اند که در بستر آنها پدید آمده‌اند، و به قول ویکو: «فرهنگ مانند روح یک جامعه است، روح حیات‌بخش آن، و هنر یک جامعه بیانگر آن روح است.» ما در مجسمه‌ها به دنبال تاریخ و میراث فرهنگی هستیم که نخستین تلاش‌ها برای مرتبط ساختن آفرینش «آثار هنری» به عوامل اجتماعی مانند جنگ و صلح است. جنگ یک پدیده خانمانسوز است و باید از دیدگاه‌های گوناگون بررسی شود. در آفرینش هنری باید از شعار فاصله گرفت و به صورت خاص در مورد مجسمه‌سازی، هر چه از رئالیسم فاصله بگیریم و با استفاده از زیبایی‌شناسی شرقی در کنار دانش غربی به هنر انتزاعی برسیم هنری مانا تر و چند خوانشی خلق کرده‌ایم. در این میان، جدای از طراحی و جنس ابزار مورد استفاده، انتخاب مکان نصب مجسمه نیز از مواردی است که نیازمند مطالعه و بررسی است.»

حسین عسکری، چهارمین سخنران این نشست به بررسی جنبه‌های زیبایی‌شناسانه و انسان‌شناختی مجسمه‌سازی جنگ در ایران و جهان پرداخت و گفت: «مجسمه‌سازی جنگ را می‌توان به سه نوع فیگوراتیو، انتزاعی و چیدمان تقسیم کرد. مجسمه‌هایی که در نکوهش جنگ و یا در تکریم جنگ و پیروزی ساخته شده‌اند، در بخش فیگوراتیو جای می‌گیرند. این مجسمه‌ها اغلب مربوط به رشادت و دلوری سربازان و سرداران اشاره دارد و از نمونه‌های بارز آن مجسمه‌سازی دوران کمونیستی روسیه است. در این کشور فیگورهایی با ابعاد بسیار بزرگ در وضعیت‌های خاص جنگی به اجرا در آمده است. در این گونه از مجسمه، مفهوم، رویکرد اصلی به شمار نمی‌رود و در اغلب آنها صرفاً به حالتی از شخصیت مورد نظر در نمایی ایده‌آل و غرورآمیز بسنده می‌شود تا حضور عینی آن یاد و خاطره سربازان را جاودان کند. آنچه در بررسی این موضوع مورد نظر است نگاه زیباشناسی به مجسمه‌ها از منظر جنگ در تقابل با آسیب‌شناسی این دیدگاه است.»

وی با بیان اینکه در سوی دیگر مجسمه‌های انتزاعی و چیدمان نیز هستند که معنا را بر فرم ارجح دانسته

و ساختارها را فدای معناسازی می‌کنند، مجسمه‌هایی که گاه به آسیب‌های اجتماعی و روانی ناشی از جنگ اشاره می‌کنند و در جایی آن را به عنوان کیفیتی از غرور جمعی و شهادت را یک ارزش والا می‌شمارند، گفت: درست همانجایی که مجسمه‌ساز بر ارزش‌های جنگ، به‌خصوص زیبایی بصری مجسمه، تأکید می‌کند همان جایی است که از جنگ، امری مقدس می‌سازد و آن را می‌ستاید و از آن معنایی والا می‌سازد؛ در حالی که در نیمی از نگرش‌های او به جنگ تخریب و ویرانی نهفته نیست. بنابراین، مجسمه‌ساز بایستی نگاهی انسان‌شناسانه مبتنی بر هنر داشته باشد و فضا را برای مردم زمانه خود تلطیف کند. در گام دیگر، او باید مفاهیم ملی یا قومی و بومی را در تار و پود هنر خود به کار گیرد».



معصومه جهان‌بین شالکوهی، سخنران دیگر این نشست به بررسی تطبیقی مجسمه‌های نمادین جنگ در ایران و هفت نقطه از جهان پرداخت و گفت: «انسان‌شناسی نمادین، یکی از حوزه‌های مطالعاتی جدیدی است که موجب شناخت انسان از نشانه‌های فرهنگی، آرزوها و بن‌مایه‌های باستان‌شناختی، زبان‌شناختی، فرهنگی و زیست محیطی انسان‌ها و قبایل و اقوام و ملت‌ها گردیده است. در این تحقیق، تعدادی از مجسمه‌ها و یادمان‌های شهری تهران با مجسمه‌های جنگی مربوط به جنگ جهانی دوم در کشور یوگسلاوی (سابق) مقایسه شده است. مورد یوگسلاوی از آن جهت جالب است که این کشور به مثابه کشوری موزائیکی از چندین ملیت، قومیت و حتی مذهب متفاوت تشکیل یافته بود: بوسنی و هرزگووین، صربستان، کرواسی، کوزوو، جمهوری مقدونیه و مونته‌نگرو. یافته‌ها نشان می‌دهد که نمادهای به کار رفته در مجسمه‌های جنگ در کشورهای مزبور، با عناصر مشترک بین انسان‌های جهان در هم آمیخته‌اند و نمود هنری پیدا کرده‌اند که نشان از بن‌مایه همسان این ملت‌ها و همچنین نگرش جهانی به چنین عناصری دارد. در ایران نیز این مجسمه‌ها به چند دسته تقسیم شده‌اند: سطحی و شعاری، ژرف و معناگرا، خشونت‌آفرین و استرس‌زا، زیبا و دلنشین، ناپایدار و جاودانه. بنابراین، می‌توان نشانه‌های موجود در برخی از مجسمه‌ها را به عنوان زبان مشترک انسانی مورد توجه قرار داد. نمادهای مورد استفاده قرار گرفته در پاره‌ای از این مجسمه‌ها بیش از حد انتزاعی‌اند که نیاز به تفسیر برای خوانش‌هایی گوناگون دارند».

آزاده شیرازی، با موضوع «ریخت‌شناسی نمادین مجسمه‌های صلح در ایران و هفت کشور جهان» آخرین سخنران این نشست بود، او با اشاره به اینکه در ادبیات قدیم پارسی صلح به معنای آشتی و مقابل جنگ آمده است، افزود: «در دوران جدید اگرچه مفهوم صلح گسترش یافته و با تفکرات شرقی و بعدها تفکرات مسیحی



و اسلامی آمیخته شده است، اما هنوز هم واژه صلح براساس ایده‌ها و نگرش‌های بین‌المللی و با یک تعریف واحد رایج نگردیده است. بررسی تطبیقی جنبه‌های انسان‌شناسی نمادین هفت مجسمه صلح در ایران و هفت کشور جهان از جمله ویتنام، آمریکا، ژاپن، سوئد، انگلستان، لهستان و سوریه بازتعریفی از نقش و مسئولیت هنرمندان مجسمه‌ساز است و مجسمه‌سازی همواره به عنوان یکی از شاخص‌ترین مظاهر فرهنگی، اجتماعی و سیاسی در هر جامعه و تمدنی بوده است. آثار هنرمندان در طول تاریخ به این موضوع دلالت دارد که تجلی حقیقت معنوی در انسجام روحی و ذهنی مخاطبان همواره و تحقق اهداف متعالی اخلاقی نقش محوری داشته است. بررسی جنبه‌های انسان‌شناسی نمادین، این پیوند را از جهات گوناگون اجتماعی، سیاسی، زیبایی‌شناختی و معنوی، مورد تدقیق و واکاوی و با هدف تحقق همزیستی مسالمت‌آمیز مورد توجه قرار داده است. یافته این پژوهش نشان می‌دهد که هفت مجسمه صلح در جهان با در نظر گرفتن عوامل و دلایل به وجود آمدن، فرم ساخت، شکل ارائه، محل نصب، قطر و اندازه و ابتکارات، یادمانی فراتر از کارکرد تزئینی روایت‌هایی از صلح را در قالب نمادها و نشانه‌ها فراهم می‌کند و تأثیرات مثبتی بر روح اجتماعی گذاشته است».

در پایان این نشست دکتر محمد نجاری با جمع‌بندی سخنان افزود: «مجسمه‌های صلح و جنگ در کشورهای گوناگون به عنوان نماد و معرف یک واقعه تاریخی در هر کجا می‌توانند به عنوان یک شی اصلی در طراحی و کارگردانی یک تئاتر مستند و یا به عنوان یک نماد در طراحی و کارگردانی یک فیلم داستانی مورد استفاده قرار گیرند که در فرصت‌های آتی به آن‌ها خواهیم پرداخت. او در پایان این نشست را به زنده یاد دکتر مصطفی فیض، نویسنده، شاعر و مؤسس جشنواره صلح «زیتون» تقدیم کرد و با آرزوی صلح پایدار در جهان این نشست علمی را به پایان برد».



دومین جلسه کمیته علمی سومین کنگره بین‌المللی امام علی (ع) پژوهی

دومین جلسه کمیته علمی سومین کنگره بین‌المللی امام علی (ع) پژوهی در مورخ بیستم مهر ماه ۱۳۹۷ در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی برگزار شد. در ابتدای این جلسه دکتر سیدسجاد علم‌الهدی، رئیس مرکز تحقیقات امام علی علیه‌السلام با اشاره به موضوعاتی که اعضای کمیته در قالب چهل محور پیشنهاد داده بودند، اعلام کرد که این محورها در ۲۳ عنوان خلاصه شدند و از اعضای حاضر خواست تا در خصوص آنها به بحث و تبادل نظر بپردازند. وی همچنین یادآور شد که اگر اعضای کمیته، جدا از این محورها ضرورتی برای موضوعات دیگری احساس می‌کنند، از مطرح کردن آن استقبال می‌کنیم.

در ادامه دکتر فاطمه احمدی، استاد حوزه و دانشگاه جلسه، گفت: «بهتر است ۲۳ موضوع در هشت محور کلی خلاصه شوند و سپس به ادغام موضوعات نزدیک به هم به لحاظ مفهومی بپردازیم». دکتر محمد دشتی، نماینده جامعه المصطفی نیز با اشار به یکی از موضوعات پیشنهادی خواستار محوریت خردگرایی در فرهنگ صلح علوی بعنوان یک موضوع اصلی در فراخوان آثار در کنار توجه به حقوق و کرامت انسان با توجه به منشور حقوق بشر شد.

دکتر داوود مهدوی‌زادگان، عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی با مشارکت در بحث پیرامون تمایز مبانی و مولفه، با این استدلال که خردگرایی به‌عنوان مبنا نمی‌تواند مطرح شود بلکه مؤلفه است پیشنهاد قرار گرفتن مفهوم خردگرایی به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های فراخوان آثار را مطرح کرد.

دکتر محمود جنیدی جعفری، مشاور علمی - اجرایی مرکز تحقیقات امام علی (ع) محور بررسی جایگاه صلح در ارتباط با سایر ملت‌ها را مورد تأکید قرار داد و باتوجه به بین‌المللی بودن کنگره نیاز به بررسی اندیشه‌های امام علی (ع) در خصوص صلح با سایر ملت‌ها و تبادل نظر بین اندیشمندان جهانی را متذکر شد.

دکتر حامد شیواپور، نماینده دانشگاه مفید با تأکید بر توجه به نسبت صلح با مفاهیم ارزشی نظیر عدالت، اخلاق و دین در اندیشه امام علی (ع)، تدقیق در روش‌ها و معناشناسی و همچنین محدودیت‌های پژوهش در باب صلح در این حوزه را نیز مطرح کرد.

همچنین در این جلسه موضوع صلح درگستره روابط بین‌المللی به‌عنوان یکی از محورهای کلی تحت عبارت گستره فرهنگ صلح در ارتباط با سایر ملت‌ها از منظر امام علی (ع) توسط اعضای جلسه پذیرفته شد. صلح و حقوق بشر از دیگر موضوعات مورد بحث اعضا جلسه بود که به‌عنوان یکی از موضوعات اصلی تحت عنوان اصالت کرامت و حقوق انسان در اندیشه و کنش امام علی (ع) پذیرفته شد.

مبانی نظری فرهنگ صلح، مبانی و روش‌شناسی صلح‌گرایی در اندیشه و سیره امام علی (ع) از دیگر محورهای مورد اتفاق نظر این جلسه بود.



خوانش جایگاه بیت المال در اندیشه و کنش امیرالمؤمنین(ع)

نشست علمی «خوانش جایگاه بیت المال در اندیشه و کنش امیرالمؤمنین(ع)» روز دوشنبه ۱۴ آبان ماه ۱۳۹۷ با میزبانی مرکز تحقیقات امام علی علیه السلام در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی برگزار شد.

این نشست به عنوان پنجمین نشست از سلسله نشست های ماهانه بود که پیرو تفاهم نامه مشترک بین معاونت پژوهشی دانشگاه مفید و پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، مرکز تحقیقات امام علی (ع) با ارائه ی دکتر سید ابوالفضل موسویان، عضو هیئت علمی دانشگاه مفید در سالن اندیشه پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، برگزار شد.



دکتر موسویان در این سخنرانی به بحث در مورد روش و برخوردی که امیرالمؤمنین با بیت المال داشتند، پرداخت و گفت: «با توجه به اینکه بیت المال از اهمیت ویژه ای برخوردار است، شاید از اولین نکاتی که امیرالمؤمنین(ع) بعد از به حکومت رسیدن خود مطرح کردند، مربوط به بیت المال بود. عمده ترین مسأله ای در دوره خلیفه سوم به وجود آمد و منجر به شورش و قیام علیه خلیفه و در نهایت کشته شدن وی شد، مباحث مربوط به اموال عمومی و بیت المال بود. حضرت علی(ع) در خطبه شقشقیه وقتی وضعیت خلفای قبل از خودشان را مطرح می کنند و به خلیفه سوم می رسند، می فرمایند؛ عثمان و خاندانش یعنی بنی امیه، وقتی روی کار آمدند مال خدا را با ولع خوردند. حضرت این اقدام آنها را به شتری تشبیه می کند که در بهار علف های بهاری که تازه هستند را با آب می خورد و می فرمایند؛ اینها هم این اموال را به این شکل به غارت بردند و چپاول کردند».

عضو هیأت علمی دانشگاه مفید در مورد اینکه چرا این وضعیت به اینجا رسید، مروری بر دوره های قبل از پیامبر(ص) کرد و گفت: «در زمان پیامبر(ص) اموال عمومی و بیت المال به طور مساوی بین مردم تقسیم می شد. البته در زمان ابوبکر هم همینطور بود. اما در زمان عمر، ایشان در تقسیم بیت المال بین افراد مختلف، تمایزاتی قائل شد. برای مثال کسانی که سابقه بیشتری در اسلام داشتند یا مثلاً کسانی که قبل از بدر یا بعد از بدر، قبل از جنگ خندق یا بعد از جنگ خندق، ایمان آورده بودند، قبل از فتح مکه یا قبل از فتح آن ایمان آورده بودند، تفاوت هایی قائل بود. حتی بین قبایل نیز تمایزاتی وجود داشت. مثلاً قبیله قریش امتیاز ویژه ای داشتند. این اختلافات بین افراد در تقسیم بیت المال موجب می شد به عده ای امتیازاتی داده شود. یعنی کسانی بودند که چندین هزار دینار دریافتی از بیت المال داشتند در حالی که در همان زمان به بعضی ها چند درهم از بیت المال می رسید. در خراج ابویوسف از قول خلیفه دوم نقل شده است که اگر من سال دیگر هم باشم و قرار باشد تقسیمات بیت المال را انجام دهم، همه را برابر قرار می دهم و همه را به یک چشم خواهم دید. اما این اتفاق نمی افتد و سال بعد خلیفه از دنیا می رود. چه بسا یکی از دلایلی که در قتل خلیفه نقش داشته است

این بوده که خلیفه می‌خواست تفاوت‌ها را از بین ببرد. دکتر موسویان در این مورد شواهد تاریخی نیز مطرح کرده و افزود: «احتمالاً اختلاف خلیفه با معاویه و ناراحتی او از ثروت اندوزی معاویه و اینکه می‌خواست معاویه را عزل کند هم در کشته شدن خلیفه نقش داشته است. بنابراین کسانی که در این فاصله از بیت‌المال ثروت‌های بسیاری بدست آوردند، تفاوت بین رقم دریافتی‌ها موجب می‌شد که این افراد برای حفظ این درآمدها انگیزه هر اقدامی داشته باشند و لذا به نظر می‌رسد که این مسائل در کشتن عمر نقش داشته و بی‌تأثیر نبوده است. امیرالمؤمنین که روی کار آمدند فرمودند؛ باید بیت‌المال به طور مساوی بین مردم تقسیم شود».

دکتر موسویان در ادامه سوالی را مطرح کرد با این عنوان که اساساً آیا بیت‌المال، مال‌الله است یا مال‌الناس؟ وی دلیل طرح این سوال را اینگونه بیان کرد که وقتی بگوییم مال‌الله، حاکم نماینده خدا می‌شود و هر طور دلش بخواهد عمل می‌کند. اما اگر مال‌الناس گفتیم، اینجا دیگر نمی‌توانیم هر طور دلمان خواست عمل کنیم. در کلام امیرالمؤمنین به هر دو اشاره شده و این نشان می‌دهد که امیرالمؤمنین مال‌الناس و مال‌الله را یکی می‌دانستند. اینطور نبوده که اختیار بیت‌المال چون مال‌الله است، دست حاکم باشد و حاکم هرطور بخواهد عمل کند و اگر مال مردم شد متفاوت شود. با اینکه امیرالمؤمنین در جاهای مختلف از این مال به عنوان مال‌الله یاد کرده اند اما در عین حال هیچ اختیاری در مورد تقسیم اموال برای خودشان قائل نبوده اند. به عبارتی می‌توان گفت، مال‌الله و مال‌الناس یکی است. همانطور که سبیل‌الله و سبیل‌الناس یکی است و سبیل‌الله شامل هر کار عمومی عام‌المنفعه می‌شود. حضرت در خطبه ۱۲۶ می‌فرمایند؛ این مال مال خداست. اما در جاهای دیگر همین مال را به نحوی مال مردم می‌دانند و می‌فرمایند با اینکه در اختیار حاکم است اما حاکم هیچ اختیاری از آن ندارد. مثلاً در خطبه ۲۳۲ می‌فرمایند؛ مال شخصی ما نیست بلکه این فی است که مال همه مردم است. اما وقتی نزدیکان حضرت خدمت ایشان می‌رسند، متوجه هستند که این نوع رفتار حضرت در مورد تقسیم بیت‌المال در آینده برای ایشان مشکل ساز می‌شود. آنها چون نگران حکومت امیرالمؤمنین هستند، به حضرت توصیه می‌کنند که به اشراف بیشتر برسند. حضرت می‌فرمایند: «وای بر شما! آیا به من دستور می‌دهید که من پیروزی را با ظلم و ستم به دیگران به‌دست آورم؟ اگر این مال مال خودم هم بود بین افراد به طور مساوی تقسیم می‌کردم.»

نکته آخری که دکتر موسویان به آن اشاره کردند این بود که بعضی‌ها وقتی حکومت به دستشان می‌افتد فکر می‌کنند باید اموال را ببرند و چپاول کنند. قرآن از این افراد به عنوان بدترین انسان‌ها یاد می‌کند که این اموال را اینگونه تصرف می‌کنند و در جای دیگر در مورد فرعون می‌گوید: فرعون قوم خودش را دسته دسته کرد و یک دسته را تضعیف کرد و دلیل اقدامش هم این بود این افراد در خدمت بقیه قرار گیرند و محتاج دیگران باشند و برای رفع نیازهایشان، هر کاری که دیگران خواستند انجام دهند. بنابراین یکی از کارهایی که حکومت‌های باطل انجام می‌دهند این است که این اختلاف‌ها را در جامعه ایجاد کنند تا توسط این قشر ضعیف به خواسته‌های خود برسند. این نیت آن‌هاست که قرآن هم از آن به بدی یاد می‌کند. اما مسأله دیگری که هست این است که معمولاً این جریان اگر ادامه یابد سر از شورش در می‌آورد. مثلاً در دوره بنی‌امیه، این روش در نهایت به شورش مردمی و کشته شدن خلیفه منجر شد. اگر کاری که پیامبر (ص) در مورد بیت‌المال انجام دادند، پس از ایشان ادامه یافته بود هیچ مشکلی برای امیرالمؤمنین پیش نمی‌آمد. مشکل از زمانی پیش آمد که فرهنگ جامعه به تدریج عوض شد. افرادی مثل طلحه و زبیر با این فساد اقتصادی به انحراف کشیده شدند و بهترین خانه‌ها را در کوفه بنا کردند. بنابراین چون نمی‌توانستند تحمل کنند که امیر بین افراد تساوی قائل شود، دست به شورش زدند و اگر مردم این را می‌دانستند پشت سر این افراد راه نمی‌افتادند. هر چند حضرت علی (ع) بارها گفتند اما صدای امیر آنموقع به این افراد نمی‌رسید. در پایان هم اساتید و حاضرین جلسه به بحث و تبادل نظر در این زمینه پرداختند و پرسش و پاسخ‌هایی در رابطه با موضوع بحث صورت گرفت.



گزارش دیدار رئیس پژوهشگاه با اعضای پژوهشکده حکمت معاصر

دکتر قبادی، رئیس پژوهشگاه در ادامه بازدید از پژوهشکده ها، روز شنبه دوازدهم آبان ۹۷ با اعضای پژوهشکده حکمت معاصر دیدار کرد. در این دیدار که با حضور اعضای پژوهشکده صورت گرفت، در ابتدای جلسه، دکتر مریم صانع پور ضمن تشکر از بازدید ریاست پژوهشگاه از پژوهشکده حکمت معاصر گفت: «برنامه توسعه پنج ساله دوم پژوهشکده در حال تدوین است و تأکید برنامه به طور عمده در بخش مطالعات تطبیقی، مطالعات بین‌رشته‌ای و فلسفه مضامین و بومی‌سازی فلسفه است. امیدواریم در این چارچوب به گونه‌ای عمل کنیم که فلسفه را به سطح اجتماع بیاوریم.

در ادامه، رئیس پژوهشگاه ضمن تشکر از برنامه‌ها و پیشنهادهای اعضای پژوهشکده، صحبت‌های خود را به طرح تراز بین‌الملل اختصاص داد و با اشاره به اینکه اعضای پژوهشکده باید طرح تراز بین‌الملل را به عنوان پشتوانه همه فعالیت‌ها؛ چه برنامه توسعه پنج ساله و چه سایر اقدامات در نظر گیرند، تأکید کرد: «طرح تراز یک فعالیت فوق‌العاده است یک پشتوانه و تشویق است و خدا را شاکر هستیم که پژوهشگاه در طرح تراز پذیرفته شده و باید از این مهلت دوساله استفاده کنیم و با کارنامه غنی وزارت علوم را مجاب سازیم که در این طرح باقی بمانیم».

دکتر قبادی همچنین بر اهمیت برنامه پنج ساله دوم توسعه راهبردی پژوهشکده حکمت معاصر تأکید کرد و عقلانی‌سازی عاطفه، عقل نوع دوستی را به عنوان ضرورت حکمت شرقی و عرفانی برشمرد. وی تأکید کرد: «در بخش عمومی‌سازی تفکر با تشکیل کارگاه، سخنرانی و برگزاری کرسی‌های نظریه‌پردازی می‌توان به راحتی با مردم، مخاطبان و ذینفعان حرف زد. در این صورت در جواب این پرسش که پژوهشکده حکمت معاصر چه کار می‌کند که دیگران نمی‌کنند می‌توانیم بگوییم، کار این پژوهشکده عمومی‌سازی تفکر چه در بخش معنویت و چه در فلسفه محض و حتی مباحث کلامی است که ما مبتلا به آن هستیم».



پیش‌همایش «تحولات حقوق کیفری کشورهای اسلامی در پرتو تعامل شرع و حقوق»:

«دولت مدرن، شهروند و حقوق کیفری»

پیش‌همایش نخست همایش بین‌المللی «تحولات حقوق کیفری کشورهای اسلامی در پرتو تعامل شرع و حقوق»، با عنوان «دولت مدرن، شهروند و حقوق کیفری» با همکاری پژوهشکده مطالعات تطبیقی حقوق در تاریخ ۱۴ مهرماه ۱۳۹۷ برگزار شد.

سخنرانان این نشست دکتر سید آیت‌الله میرزایی (عضو هیأت علمی پژوهشکده مطالعات اجتماعی)، جناب دکتر مالک شجاعی (عضو هیأت علمی پژوهشکده فرهنگ معاصر)، دکتر شروین مقیمی (عضو هیأت علمی نظریه‌پردازی و روابط بین‌الملل)، دکتر آیدین کیخایی (عضو هیأت علمی پژوهشکده غرب‌شناسی و علم‌پژوهی) و دکتر فیروز محمودی جانکی (عضو هیأت علمی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران) بودند. مدیریت این نشست را دکتر سپیده میرمجیدی برعهده داشت.

در ابتدای این نشست، دکتر میرمجیدی مقدمه‌ای را پیرامون تعامل و تقابل سامانه‌های حقوق شرعی و سامانه‌های حقوق عرفی با اتخاذ رویکردی ذهنی‌نگر یا ذهنی‌گرا در مقابل رویکردهای مسلط در جرم‌شناسی یعنی رویکرد عینی‌نگر یا عینی‌گرا بیان کرد. وی پس از ذکر مطالب خود و قدردانی از حضور استادان و میهمانان حاضر در جلسه، از دکتر شجاعی دعوت کرد تا سخنرانی خود را با عنوان «رویکرد فلسفه علوم انسانی به مناسبات دین و حقوق: مطالعه موردی استاد مطهری (ره)» بیان کنند.



دکتر شجاعی سخنان خود را با بحث درباره پارادایم‌های سه‌گانه فلسفه علوم انسانی آغاز کرد و در ادامه گفت: «از نظر استاد مطهری (ره) اسلام به شکل ظاهر و صورت زندگی که وابستگی تام و تمامی به میزان دانش بشر دارد نپرداخته است. دستوره‌های اسلام مربوط است به روح و معنی و هدف زندگی و بهترین راهی که بشر باید برای وصول به آن هدف‌ها پیش بگیرد. علم، نه هدف و روح زندگی را عوض می‌کند و نه راه بهتر و نزدیک‌تر و بی‌خطرتری به سوی هدف‌های زندگی نشان داده است علم همواره وسایل بهتر و کامل‌تری برای تحصیل هدف‌های زندگی و پیمودن راه وصول به آن هدف‌ها در اختیار قرار می‌دهد. اسلام با قرار دادن هدف‌ها در قلمرو خود و واگذاشتن شکل‌ها و صورت‌ها و ابزارها در قلمرو علم و فن، از هر گونه تصادمی با توسعه

فرهنگ و تمدن پرهیز کرده است بلکه با تشویق به عوامل توسعه تمدن یعنی علم و کار و تقوی و اراده و همت و استقامت، خود نقش عامل اصلی پیشرفت تمدن را به عهده گرفته است» (نظام حقوق زن در اسلام / ۱۳۷) و اینکه «قدر مسلم است که بیشترین مسائل اسلام چه فقهی، چه اخلاقی، چه اعتقادی چه اجتماعی، مسائل مسیری است. یعنی مثل علامت‌هایی است که جاده را مشخص می‌کند» (اسلام و مقتضیات زمان، ج ۲ ص ۱۱۶).

سپس دکتر میرزایی پس از تعریف ناسیونالیسم، از مدل‌های آلمانی و فرانسوی آن یاد کرد و افزود: «مشروطه خود اساس یک دستاورد ناسیونالیسم مدرن است. مشروطه ایران مولود ناسیونالیسم از مدل آلمانی نیست، بلکه از مدل فرانسوی آن بیرون آمده است». وی در ادامه از مجموع سخنان خود چنین نتیجه‌گیری کرد: «ما با این سه‌گونه ناسیونالیسم که دو گونه اصلی‌اش که ناسیونالیسم مدنی و ناسیونالیسم مذهبی است مواجهیم





که هر کدام دوگونه ملت، دوگونه دولت، دوگونه شهروند و دوگونه مناسبات دولت و شهروند را در پی خواهد داشت. وقتی یکی از این مدل های ناسیونالیستی به ویژه آلمانی حاکمیت پیدا می کند و موتور محرک دولت را به دست می گیرد، ناسیونالیسم مدنی و ناسیونالیسم دیگر با هم موقتاً اعتلاف می کنند بر سر تعدیل آن. البته این ویژگی جامعه متنوع ایران است. الویت بندی گرایش های ناسیونالیستی در ایران هم به ترتیب عبارتند از: مدنی، باستان گرا و سپس اسلام گرایی فکر می کنم ۱۵۰ سال اخیر مناقشات بر سر این بود که آیا شهروندی امان را بر پایه خاک و خون تعریف کنیم که مدل های ناموفق بودند و شکست خوردند یا اینکه بر پایه مدل مدنی و بدون توجه به مؤلفه های مذهب، طبقات اجتماعی، خون، نژاد آریایی و غیره تعریف کنیم ... می توان گفت مسیر به سمت ناسیونالیسم آلمانی نیست. اگرچه در مدتی که من کار کردم مدل ناسیونالیسم باستان گرایی هم بسیار قدرتمند است. یعنی من این را به خاطر تقابل می بینم. به خاطر تقابل جامعه با دولت در ایران گرایش به رقبای ناسیونالیستی اش افزایش یافته است».

سخنران بعدی، دکتر شروین مقیمی بود که وی پیرامون حقوق شهروندی، سخنرانی خود را با عنوان «انگاره مدرن شهروندی در ایران: تأملی از منظر بحث در فلسفه سیاسی» را با تعریف ایده شهروندی در معنای مدرن آن، آغاز کرد و گفت: «اغلب دانشوران حوزه مطالعات مشروطه با این رأی موافق هستند که جنبش مشروطه در ایران، چنانکه از نامش پیداست، جنبشی

مبتنی بر قانون خواهی بود. این در حالی است که تغییر بنیادین در فلسفه سیاسی غربی زمانی آغاز شد که بحث از «قانون» به تابعی از بحث از «حق» تبدیل شد. این بدان معنا نیست که متجددان ما از مقوله حق سخن نگفتند و یا اینکه معنای جدید آن را دریافتند، بلکه آن میزان که گفتند و بدان شیوه ای که گفتند، به کار تبدیل شدن ایده «انسان به مثابه ی موجودی صاحب حق» به بخشی از عقل سلیم ایرانی نیامد. ما در اینجا بنا نداریم تا دلایل این امر را مورد بررسی قرار دهیم. اما به اجمال اشاره می کنیم که علاوه بر ملاحظات بیرونی (یعنی حساسیت های دینی در ایران) که منجر به نوعی تقیه در میان روشنفکران آن عصر می شد، عامل مهم دیگری نیز دست اندرکار بود که کمتر به آن التفات شده است: ضعف درونی خود این متجددان از حیث رتوریک سیاسی». وی در شرح بیشتر این مطلب تأکید کرد: «به تعبیر دیگر مشکل آنها این نبود که ایده ی انسان به مثابه ی موجودی صاحب حق را نمی فهمیدند، بلکه مشکل آنها در اتخاذ یک الگوی رتوریکال مناسب برای جانداختن این ایده در شبکه عقل سلیم ایرانی بود. درواقع تحلیل مبانی انگاره شهروندی در ایران معاصر می تواند بر مبنای مفروض انگاشتن حقیقتی در پس پشت ایده های متجددانه به انجام نرسد، و به جای آن ایده های متجددانه به عنوان اموری غیرحقیقی تلقی شود که در نهایت قرار است به وسیله رتوریکی مناسب، حقیقی به نظر برسد. این همان کاری است که ماکیاولی، هابز و روسو به نحو احسن انجامش دادند و متجددان معاصر ایرانی در انجامش ناکام ماندند».

دکتر مقیمی سپس به تمرکز اصلی خود در این سخنرانی اشاره کرد و گفت: «ما با تمرکز بر ایده «قانون»

نزد حاملان تجدد سیاسی در ایران تلاش خواهیم کرد تا نشان دهیم که نخستین جوانه‌های بحث از مضمون شهروندی در ایران معاصر، عمدتاً مبتنی بر درکی شبه‌روسویی از این ایده بود؛ یعنی درکی که در آن تأکید بر فعالیت سیاسی آزادانه، مطالبه عدالت اجتماعی و میهن‌پرستی، بر تأکید بر اولویت ایده «حق» در معنای جدیدش، برتری داشت. در واقع قانون‌خواهی در میان نویسندگان عصر مشروطه و حتی پس از آن، تا جایی که به مضمون و محتوای ایده شهروندی مربوط می‌شود، بیشتر با عناصر سه‌گانه مزبور پیوند داشت تا با بحث از تبعیت قانون در معنای عام آن، از حق طبیعی فرد انسانی. به زعم ما این «مسئله» در خصوص مقوله‌ای مثل «شهروندی»، ریشه در نبردی اساسی‌تر میان ارزش‌های مختلف برای تبدیل شدن به بخشی از عقل سلیم ایرانی طی صد و پنجاه سال گذشته دارد. این نبرد اگرچه در آغاز نبردی نابرابر میان عناصر یا به بیان بهتر ارزش‌های متجددانه و ارزش‌های مستحکم الهیاتی-سیاسی در کانون شبکه‌ی اعتقادی ایرانیان بود، اما به تدریج با تغییر استراتژی حاملان فکر تجدد، برخی از این ارزش‌های متجددانه در نهایت توانست با لباس مبدل به حوزه‌ی استحفاظی ارزش‌های الهیاتی-سیاسی وارد شده و به یک ایدئولوژی «موثر» تبدیل شود؛ ایدئولوژی‌ای که قادر بود انسان‌ها را برای رقم‌زدن تغییری اساسی در مناسبات اجتماعی، و حتی تغییری اساسی در طبیعت انسان و تبدیل کردن او به موجودی طراز نوین، بسیج کند. این رویداد را به هیچ وجه نمی‌توان با صرف تمرکز بر ایرادات معرفتی حاملان متاخر فکر تجدد، توضیح داد. اینجاست که نقش خطیبان در سیاست برجسته می‌شود؛ خطیبانی که به بیان ارسطویی کلمه، بیشتر از آنکه لوگوس انسان‌ها مقصدشان باشد، پاتوس آنها را هدف می‌گیرند. از میدان به در شدن عنصر مدنی/هازی شهروندی در ایران که به یک معنا شرط جاگیر شدن این انگاره در سامان اعتقادی ایرانیان بود، در نهایت به فرجه شدن و در عین حال تغییر شکل دیگر عناصر انجامید. دکتر شروین مقیمی سخنان خود را با این عبارات به پایان رساند: «آنچه در کانون این انگاره جدیدالظهور خودنمایی می‌کرد، عنصر اجتماعی-اقتصادی بود که همراه با صورتی از تأکید بر سرزمین‌پدري، انگاره شهروندی در ایران معاصر را دست‌کم به مدت دو دهه بعد از انقلاب اسلامی تعیین کرد».



در ادامه دکتر آیدین کیخایی سخنان خود با عنوان «امانوئل لویناس و مسئله حقوق مدنی» شروع کرد. وی بعد از معرفی امانوئل لویناس، در باب اندیشه لویناس گفت: «در نگاه لویناس، در مواجهه با چهره دیگری، انسان با مسئولیت اخلاقی بی‌نهایت‌اش در قبال انسان دیگر روبه‌رو می‌شود و از طریق این رودرویی با بی‌نهایت، به رابطه‌ای با آنچه فراتر از هستی است پا می‌نهد. در نگاه لویناس، در این استعلاست که تمایز اساسی بودن انسان و بودن سایر هستنده‌ها آشکار می‌شود و معنای غایی انسانیت متجلی می‌شود: انسان هستنده‌ای است که در رابطه اخلاقی با فراتر از هستی است. بر همین اساس، لویناس استدلال می‌کند

که درک صحیح از بودن انسان باید از رابطه اخلاقی بی‌آغازد. این نگرش، در جمله مشهور لویناس، اخلاق به عنوان فلسفه اولی، متجلی می‌شود، که به طور خلاصه مبتنی بر اولویت اخلاق است بر هستی‌شناسی. وی بعد از تعریف رابطه اخلاقی، گفت: «مفهوم حق در شرایط اجتماعی مطرح می‌شود: جامعه مدنی به عنوان اجتماعی از افراد آزاد و دارای حق در تعامل با یکدیگر. حق به صورت متقارن مطرح می‌شود. حال لویناس به ما می‌گوید، پیش از سوژه آزاد فردی، سوژه‌گی اخلاقی را داریم؛ پیش از تقارن حق، عدم تقارن مسئولیت را داریم؛ و پیش از تقارن فضای اجتماعی، عدم تقارن رابطه اخلاقی را داریم. به عبارت دیگر، لویناس از اولویت مسئولیت بر حق سخن می‌گوید، یا اولویت عدالت بر آزادی فردی. بر این اساس، نه تنها پرسش‌های ما در مورد جامعه تغییر می‌کنند، بلکه همچنین بنیان تحلیل اجتماعی نیز تغییر می‌کند. به عنوان مثال، مبنای ارزیابی کارایی نهادهای اجتماعی، در درجه اول، عدالت اجتماعی خواهد بود و نه تحقق آزادی فردی».



در ادامه نوبت سخنرانی دکتر محمودی، دبیر علمی همایش بین‌المللی با عنوان «جایگاه شهروند در حقوق کیفری ایران» رسید. سخنرانی وی با بیان اینکه مخاطب و تابع در حقوق کیفری جدید که برآمده از دولت مدرن



است، شهروند است، گفت: «اگر ایده دولت مدرن را برای تنظیم حدود اختیارات قدرت سیاسی و روابط حکومت با مردم و اجتماع نوآوری مهمی بدانیم که بنمایه دولتمسازي در قوانین اساسی بسیاری از کشورها شده است، ایده شهروندی نیز در کنار آن به منظور کمک به شناخت بهتر جامعه، روابط درونی آن، نقش‌های اجتماعی-سیاسی افراد و هدایت کنش‌ها و رفتارها به وجود آمد. وی در ادامه با بیان نکات مربوط به شهروندی، گفت: «در حقوق کیفری مدرن شهروند موضوع و تابع آن است که صاحب حقوق و تکالیف است. حقوق کیفری ایران متأثر از دو نظام فکری و سیاسی متفاوت، و روبنایی تر، متأثر از دوگانه شرع و حقوق (عرفی)، در همه جا با مخاطب، شهروند سروکار ندارد. مخاطب بودن انسان مسلمان و محوریتش در تعیین حقوق و تکالیف در رویکرد فقهی و شرعی تنظیم مناسبات به عدم پذیرش مفهوم شهروندی و مقوماتش انجامیده

است. از سوی دیگر با توجه به اصل ۴ قانون اساسی که برتری موازین شرع را بر موازین حقوقی پذیرفته، نابرابری میان مسلمان و غیر مسلمان و زن و مرد در حقوق ایران و از جمله حقوق کیفری جلوه‌ای از به حاشیه رفتن مفهوم شهروند برآمده از دولت مدرن است. با این که در قانون اساسی از برابری افراد در قبال قانون سخن گفته شده است، به تبع ضرورت رعایت موازین شرعی (اصل ۱۲ و ۴) در موارد مشخصی چون مذهب و جنسیت، هم در تقنین و هم در قضا و اجرا، حقوق برابر برای افراد قائل نشده است.»

دکتر محمودی در انتها با تأکید بر این مطلب که «در میانه حقوق و شرع، به جهت برتری بخشی به موازین شرعی تمایل یا امکانی برای پذیرش مفهوم شهروندی در همه موارد وجود نداشته است مگر این که به صورت موردی و بنا بر رعایت مصالح حکمی داده شود که به اقتضات شهروندی نزدیک تر باشد. همانند آنچه که در قضیه سپنتا رخ داد. راه حل تعارض در این چنین مواقعی موردی است»، سخنان خود را به پایان رساند.



سیاست‌گذاری رسانه‌های اجتماعی در ایران

نشست علمی «سیاست‌گذاری رسانه‌های اجتماعی در ایران» با سخنرانی آقای دکتر بصیریان جهرمی (پژوهشگر و مدرس علوم ارتباطات) در روز سه شنبه اول ابان ماه ۱۳۹۷ با همت پژوهشکده مطالعات فرهنگی و ارتباطات در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی برگزار شد. در ابتدای این نشست، سخنران علمی با مقدمه‌ای به مسئله‌مندی، ضرورت و اهمیت موضوع سیاست‌گذاری در خصوص رسانه‌های اجتماعی در ایران، و گفت: «این پژوهش نشان می‌دهد که نوع نگاه سیاست‌گذاران به رسانه‌های اجتماعی در کشور، با نحوه استفاده کاربران از آن، لزوماً در تعارض قرار ندارد، اما ناکارآمدی ساختارهای موجود، جدی نگرفتن ابزارهای قانونی، مدیریتی یا



کنترلی و نیز پراکندگی شیوه‌های تصمیم‌گیری، چالش‌های فراوانی را برای سیاست‌گذاری رسانه‌های اجتماعی به دنبال داشته، که همگرایی و هم‌افزایی میان نهادهای تصمیم‌ساز را بسیار دشوار کرده است؛ با این حال، جمع‌بندی یافته‌ها و تحلیل نتایج به دست آمده از امتزاج دو روش پژوهشی معطوف به «مرور سیستماتیک/ نظام‌مند» در مورداستفاده رسانه‌های اجتماعی در میان کاربران و «مصاحبه‌های عمیق یا نیمه ساخت‌یافته» با سیاست‌گذاران فضای مجازی کشور و همچنین منطبق ساختن الگوی مفروض، با چارچوب مفهومی و مدل شماتیک پژوهش حاضر که

برآمده از تجربیات پژوهشگر و یافته‌های پژوهشی پیشین است، می‌توان گفت که به ارائه یک مدل پیشنهادی که ملاحظات سیاست‌گذاران و اقتضائات و نیازهای کاربران ایرانی شبکه‌های اجتماعی (داخلی و خارجی) را تأمین کند، نزدیک شده است.»

بصیریان با اشاره به اینکه در این میان دستاوردهای کلیدی برآمده از مصاحبه‌ها و چینه‌ساز آن در کنار نیازهای کاربران به استفاده از رسانه‌های اجتماعی، به استخراج شش شاخص بنیادی برای سیاست‌گذاری در حوزه داخلی و خارجی در نرم‌افزار تحلیل داده‌های کیفی مکس کیودا منجر شده است، گفت: «آنچه در این میان بیش از مدل تبیین شده حائز اهمیت است، نحوه اجرایی ساختن آن است که افزون بر پاره‌ای رویکردهای شناختی و ملاحظات فناورانه، نیاز به توضیح بیشتری دارد. به‌عنوان مثال در بخش رسانه‌های اجتماعی خارجی، که بیشترین چالش‌های موجود ناظر به اصلاح و بازنگری در سیاست‌های اتخاذ شده برای آنهاست، یافته‌های مرور نظام‌مند، دو موضوع میزان مصرف و نوع مصرف را از دیدگاه کاربران این رسانه‌ها مطرح ساخت؛ این دو مسأله در مدل پیشنهادی به این شکل مورد واکاوی قرار گرفته است تا مورد توافق و اجتماع سیاست‌گذاران نیز قرار گیرد؛ از این رو، اگر فرض کنیم که میزان مصرف یکی از رسانه‌های اجتماعی که انواع آن در فصل دوم به تفصیل بیان شد، بر اساس شاخص‌های کمی چندان قابل توجه نیست، پیشنهاد شده است که برای سیاست‌گذاری آن، رویکرد مسدودسازی یا فیلترینگ در نظر گرفته نشود. البته این رویکرد پیشنهادی، در فقدان فیلترینگ هوشمند و مواردی که مصداق غیرامنیتی بر آن مترتب نیست، انجام‌پذیر است.» وی در خصوص نوع معماری رسانه‌های اجتماعی داخلی گفت: «بیش از نیمی از مصاحبه‌شوندگان معتقدند که اگر جنبه‌های تقلیدی رسانه‌های اجتماعی خارجی در رونمایی و ارائه خدمات ترجیح داده شود، آسیب آن به مراتب بیش از فیلترینگ خواهد بود؛ به همین خاطر پیشنهاد شده است که ضمن نوآوری و ایجاد تمایز در معماری رسانه‌های اجتماعی داخلی از منظر فناوری، الگوهایی برآمده از مبانی اسلامی و اخلاقی ما، که وجه ممیزه‌ای در فرهنگ رسانه‌ای نیز تلقی می‌شوند در این رسانه‌ها به کار گرفته شود.» در پایان نشست سخنران به پرسش‌های مطرح شده حضار پاسخ داد.



بررسی فرهنگ کار در ایران

(مطالعه فرهنگ کار در سازمان‌های دولتی و خصوصی در تهران)

به همت دفتر کرسی‌های نظریه‌پردازی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی عرضه و نقد ایده علمی با عنوان «بررسی فرهنگ کار در ایران» و با حضور دکتر توحیدلو (ارائه‌دهنده)، دکتر علی ربیعی (ناقد)، دکتر فاضلی (ناقد) و دکتر کسرائی (مدیر علمی) در روز ۲۳ مهرماه ۹۷ برگزار شد.



در ابتدای نشست دکتر توحیدلو تعریفی از فرهنگ کار ارائه کرد که عبارت از مجموعه‌ی ارزش‌ها، باورها و دانش‌های مشترک و پذیرفته شده‌ی یک گروه کاری در انجام فعالیت‌های معطوف به تولید و یا ایجاد ارزش افزوده بود. ارتقای فرهنگ کار، عمل به تعهدات حتی در زمانی که کنترل خارجی وجود ندارد و احساس مسئولیت در قبال کار، تولید و سرمایه‌های فردی و ملی نیز از نکات مورد تأکید بخش آغازین سخنان دکتر توحیدلو بود.

وی در ادامه گفت: «اگرچه وضعیت فرهنگ کار در سازمان‌های ایرانی اعم از دولتی و خصوصی، مطالعه شده است ولی برای فهم این وضعیت، شاغلین ایرانی خارج از کشور مورد مطالعه قرار گرفته‌اند که تجربه کار در ایران و غیر از ایران را به‌طور هم‌زمان داشته‌اند. از دیگر سو به وضعیت شاغلین در سطوح مختلف سازمان‌های دولتی و غیر دولتی در ایران نیز نظر افکنده شده است. مطالعه فرهنگ کار در سه سطح فردی، سازمانی و کلان صورت گرفته است و برخلاف دیدگاه‌هایی که متأثر از مطالعات شرق‌شناسانه، اجزایی را در تاریخ درازمدت و ذات فرهنگ ایرانی به‌عنوان عوامل بازدارنده، در مسیر شکل‌گیری فرهنگ سازنده کار بیان می‌کند، مطالعه حاضر نشان می‌دهد که مجموعه‌ای از عوامل اجتماعی و ساختاری، سازنده موقعیت‌هایی است که باعث می‌شود همان کنشگر غیرفعال در ساختار ایران به کنشگران مؤثر در ساختار خارج از ایران تبدیل شوند».

در ادامه دکتر ربیعی (وزیر سابق تعاون، کار و رفاه اجتماعی) به عنوان یکی از ناقدان این کرسی گفت: «در واقع فرهنگ کار در ایران تقریباً به‌صورت مستقیم و غیرمستقیم، تحت عنوان بهره‌وری اشاره شده است که در ریشه بهره‌وری بر می‌گرددیم به بحث فرهنگ کار، فرهنگ کار هم اگر قرار باشد در یک جامعه‌ای توسعه پیدا کند و بر توسعه اقتصادی متکی باشد قطعاً بر توسعه فرهنگ کار ارزش بسیار زیادی دارد. فرهنگ کار یک بخش توسعه است که از بهره‌وری تاثیر پذیرفته و بحث دیگر آن کار و خانواده و کار و جامعه است».

دکتر ربیعی تأکید کرد: «اگر دکتر توحیدلو می‌خواهند مقایسه‌ای داشته باشند باید این وجوه را ببینند

به‌خصوص انسان‌هایی که می‌خواهند کار انجام دهند رفتاری را نشان می‌دهند که بخشی از این رفتار در فرهنگ است. بنابراین چارچوب کار ارائه‌دهنده در ارتباطش با فرهنگ، خوب بوده است، همچنین کنترل نظارت هم جذاب بود اما اگر بخواهد این کار، کار کاملی شود باید روی فرهنگ ایران عمیق‌تر کار شود. پیشنهادی که برای دکتر دارم، اگر یافته‌هایمان را ببریم به وضع موجود، نمی‌خواهیم یافته‌های دست نیافتی بدهیم. از طرفی صنعت با محیط اداری کاملاً متفاوت است. اگر بخواهیم بدانیم بحث عدالت در نسبت با مزد و مقایسه‌اش با دیگران به چه نحو است، به نظر بنده می‌تواند در سیاست‌گذاری‌ها تأثیر بگذارد».

دکتر کسرائی، مدیر علمی نشست، ضمن تشکر از دکتر ربیعی که به چند نکته مهم از جمله الزامات ساختاری اشاره کرد و گفت: «مسائل حاشیه‌ای که بیشتر مسائل امنیتی کار و محیط کاری هست نیز باید دیده شوند. در واقع در محیط کار هم به بحث چیدمان بخصوص چیدمان اداری و سایر مسائلی که در محیط کار فاقد انگیزش است، اشاره شود».

در ادامه دکتر فاضلی دیگر ناقد این کرسی ترویجی، گفت: «مهم بودن فرهنگ به معنای ایدئولوژیک لفاظی آن نیست. اینکه فرهنگ چیست و درون مایه آن کدام است؟ دکتر توحیدلو به ارزش‌ها در حالی که خود ارزش‌ها را روشن نکردند که کدام است و همچنین اشاره کردند در جوامع مدرن بورکراسی به شیوه مدرن و عوامل تعیین‌کننده هستند نه اخلاق کار یا ارزش‌های فردی و بیان کردند که در جوامع توسعه یافته براساس تحقیقات موجود دیگر اخلاق پروتستانی جایگاه محکم و تعیین‌کننده ندارد و اینکه منظور از فرهنگ کار نگرش‌های وبری است از مفهوم پروتستان پروتیک که اخلاق نحوه مواجهه با سوژه هست یا ایزه اجتماعی. حال نقدی که بر مطالب ارائه‌کننده می‌شود. وی چالش را مطرح می‌کند بدون اینکه یک مسئله‌ای داشته باشد؟ و مسئله از جایی پیدا می‌شود که برای توضیح دادن یا صورت‌بندی کردن چالش چه دیدگاه‌هایی می‌تواند باشد و کدام یک از این دیدگاه‌ها را به چالش بکشیم و کدام دیدگاه رقیب را مطرح کنیم؟ حال اگر بنا باشد که شرط کار به صورت فرهنگ ارائه شود باید به صورت طبقه‌بندی از دیدگاه‌ها باشد و بعد مناقشه برسر دیدگاه‌ها صورت پذیرد. از طرفی دکتر توحیدلو بیان کردند که مواجهه با چالش نامولد بودن نیروی کار در ایران یک رویکرد سازمانی است. یک رویکرد روان‌شناختی و یک رویکرد جامعه‌شناختی که تلویحاً در صحبت وی بود. ما بحرانی که داریم روانشناسی‌گرایی یا (سایکولوژیم یا شخص‌انگاری) است اینکه جامعه را به شخص تقلیل دهیم و اینکه این شخص‌انگاری یا روانشناسی‌گرایی چه آسیب‌های به جامعه وارد می‌کند که این استعاره، زندگی اجتماعی یا جامعه ما را نابود می‌کند. فرهنگ کار یک مفهوم تئوریک است که می‌خواهد بیان کند که فرهنگ کار روانشناسی و اخلاق‌گرایی نیست. درست است که با روان انسان‌ها و اخلاق سر و کار دارد ولی روانشناسی نمی‌تواند کاری انجام بدهد.

دکتر توحیدلو در پاسخ به این نقدها گفت: کار بنده کاملاً از ابتدا تا انتها نهاد گرایانه بوده حتی و بر را هم در کار نهاد گرایایی بردم. وقتی ساختارها و حوزه کلان را نگاه می‌کنم در بحث ساختاری است و نه بحث مدیریتی. در واقع بحث بنده راهبردی می‌شود نه مدیریتی. نکته دیگری که وجود دارد واقعا بحث مولد را باز نکردم اما کارم ارزش و فرهنگ معنا دارد و به معنای رسمی نیست و حتی در ساختار مشاهده هم می‌آورم. اما کاری که در مقاله نشده و همانطور هم که دکتر ربیعی نامیدند، این کار در سازمان معنا دارد و فقط در سازمان‌های دولتی و خصوصی دیده شده و هنوز صنعت را مورد مطالعه قرار نداده‌ام. این تحقیق روی کار و کارگری انجام نشده یا نتوانسته‌ام انجام دهم. کار بنده کار در سازمان فرهنگ بوده و تعریف کار در سازمان‌ها ارائه شده و طبیعتاً نمی‌شود این موارد را در خلاصه‌ها آورد. اما در مورد ارزش که نظم اجتماعی را می‌گوییم قانون به مثابه امری که در یک بورکراسی نیست یعنی قانون یک امر سیاست‌گذارانه است و حتی کنترل‌های نهادی مد نظر است. دلیلش هم این است که ایدئولوژی ارزش نیست و ما ایدئولوژی را مبتنی بر اخلاق پروتستان و فرهنگ کار می‌بینیم.



برگزاری اولین جلسه کمیته علمی سومین کنگره بین‌المللی امام علی (ع) پژوهی

اولین جلسه کمیته علمی سومین کنگره بین‌المللی امام علی (ع) پژوهی در مورخ یکشنبه ۶ آبان ۱۳۹۷ به میزبانی مرکز تحقیقات امام علی علیه السلام در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی برگزار شد.



این جلسه با حضور دکتر فاطمه احمدی (استاد حوزه و دانشگاه) و دکتر سید سجاد علم‌الهدی (رئیس مرکز تحقیقات امام علی (ع))، دکتر مصطفی دلشاد تهرانی (استاد دانشگاه قرآن و حدیث)، دکتر احمد پاکتچی (نماینده بنیاد بین‌المللی نهج‌البلاغه و عضو هیأت علمی پژوهشگاه)، دکتر حامد شیواپور (نماینده دانشگاه مفید، دکتر محمد دشتی (نماینده جامعه المصطفی)، دکتر مهدی رضانی چابک (نماینده پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی)، دکتر محمود جنیدی جعفری (عضو هیأت علمی پژوهشگاه)، دکتر داوود مهدوی‌زادگان (عضو هیأت علمی پژوهشگاه)، سیدفخرالدین مؤیدی (معاون علمی سابق مرکز) و محمدعلی معتضدیان، (معاون اجرایی مرکز تحقیقات امام علی (ع))، برای بررسی و تعیین محورهای فراخوان این دوره از کنگره که در شهریور ۱۳۹۸ برگزار خواهد شد تشکیل شد.

در این نشست، حاضران به بحث پیرامون شعار این دوره از کنگره پرداختند و توافق اولیه بر عبارت زیر حاصل شد: فرهنگ و صلح در اندیشه و کنش امام علی (ع)، (بازخوانی گفتمان با رویکردی جهانی، چالش امروز و طرحی برای فردا). سپس چگونگی موضوع محور اصلی فراخوان کنگره مورد تبادل نظر قرار گرفت که در نهایت «توجه به صلح از جنبه‌ی فرهنگی» به عنوان محور اصلی، مورد توافق قرار گرفت. همچنین مقرر شد در جلسه آتی محورهای فرعی فراخوان آثار مشخص شوند.



گزارش دیدار آبان ماه اعضای هیأت علمی با هیأت رئیسه پژوهشگاه

دیدار ماهانه اعضای هیأت علمی با هیأت رئیسه پژوهشگاه، روز هفتم آبان ماه ۱۳۹۷ برگزار شد. در ابتدای این نشست، دکتر کریمی علوی، معاون فرهنگی و اجتماعی پژوهشگاه گزارشی را به منظور ارائه برنامه‌های آتی این معاونت به حضار ارائه کرد.



دکتر کریمی علوی با اشاره به رؤس فعالیت‌های معاونت فرهنگی و برنامه‌های آینده این معاونت، گفت: «حدود ۵ سال است که این معاونت شکل گرفته است که در خصوص سوابق فعالیت‌های معاونت فرهنگی و اجتماعی این موارد را مدنظر قرار دهیم: اهداف و راهبردها، چارچوب سیاست‌ها، فعالیت‌های علمی و فرهنگی، مراسم و جشنواره‌ها، نشست‌های علمی - تخصصی، برگزاری گفتگوهای آزاد، سفرهای استانی و بازدیدها، فعالیت‌های دانشجویی، فعالیت‌های فرهنگی - هنری - سینمایی بسیج کارکنان، اساتید و دانشجویان، فراخوان برای همکاری و مشارکت بیشتر و آینده اهداف اصلی».

وی ادامه داد: «قصدم در آینده بحث‌های هم‌اندیشی و گفتگوهای درون‌پژوهشگاهی را برگزار کنیم که از طریق نشست‌های مشترک با اساتید، کارکنان و دانشجویان آراء، نظرات، انتقادات و پیشنهادهای آنها را مورد بررسی قرار دهیم و در پی آن آسیب‌شناسی و سنجش افکار و آراء را داشته باشیم. توسعه کیفی برنامه‌های معاونت از طریق همکاری‌های علمی - پژوهشی پژوهشگاه، مدیریت‌های مرتبط مانند روابط عمومی، مرکز آموزش‌های آزاد، مدیریت روابط علمی و بین‌الملل، مرکز اسناد فرهنگی آسیا و همچنین شناسایی استعدادها، دانشجویان، کارکنان و اساتید و توانمندسازی آنها به منظور فراهم کردن زمینه‌های همکاری و مشارکت جمعی برای پیشبرد اهداف راهبرد سازمان‌های مردم‌نهاد، انجمن‌های علمی - تخصصی در حوزه‌های پژوهشی، توسعه و تقویت انجمن‌های علمی و دانشجویی، کمک به تأسیس نشریات تخصصی بیشتر با همکاری پژوهشگاه، توسعه امکانات رفاهی دانشجویی، از جمله خوابگاه، تأسیس صندوق‌های رفاه، همکاری‌های مشترک با معاونت پژوهشی، تحصیلات تکمیلی و پژوهشگاه‌ها به منظور ارتقاء کیفی برنامه‌ها و فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی و ایجاد ارتباط و فعالیت‌ها و همکاری‌های مشترک با معاونت فرهنگی وزارت علوم، تحقیقات و فن‌آوری، دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی، و در پایان برنامه‌ریزی برای عقد قرارداد با مجموعه‌های ورزشی آزادی، انقلاب، شیروزی و کشوری برای استفاده همکاران به غیر از امکانات ورزشی‌ای که در حال حاضر در پژوهشگاه وجود دارد همگی از برنامه‌های آتی این معاونت هستند».



در ادامه دکتر رفیعی، مدیر دفتر نشر و ویرایش پژوهشگاه در مورد عملکرد این مرکز گفت: «انتشارات بخش مهمی از پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی است که وظیفه عمده آن فعالیت مناسب به منظور عرضه داده‌های علمی اعضای هیأت علمی و ماحصل زحمات سالیان سال کار علمی همکاران است که از آنجا روانه بازار علم و فرهنگ می‌شود. انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی، وارث انتشارات بنیاد فرهنگی ایران بوده و از سابقه طولانی برخوردار است».

رفیعی تأکید کرد: «برای تحقق بخشیدن به اهداف مدیریت نشر و ویرایش از نظرات و همکاری همکاران بهره خواهیم برد و بدون همکاری و همراهی استادان امکان عملیاتی کردن سیاست‌ها و برنامه‌های راهبردی این دفتر وجود ندارد. ضمن اینکه مشکلاتی هم داریم که باید رفع شوند که یکی از آنها عدم برخورداری از آمار و اطلاعات کافی برای چاپ، فروش، تجدید چاپ کتاب‌ها، میزان تقاضای بازار و... است و دیگری برخوردار نبودن از بازار مناسب برای عرضه و فروش آثار فاخر و ارزشمند مؤلفان، عدم گزارش‌ها و اطلاع‌رسانی مناسب به استادان و همکاران است. همچنین برنامه‌هایی به منظور تهیه لیستی از کتاب‌های فروخته شده در سال و اطلاع‌رسانی مناسب و به موقع و تشویق مؤلفینی که کتاب‌های آنان از فروش بیشتری برخوردار بوده است، در نظر گرفته شده است. البته در این زمینه باید آسیب‌شناسی فروش کتاب‌ها و افزایش بهره‌وری را هم در نظر داشته باشیم که در آینده بنا داریم قراردادهایی منعقد کنیم که امکان آن فراهم شود تا به منظور ایجاد تحول در بخش فروش و بازاریابی، بتوانیم به صورت مشترک کتابهای مان را به فروش برسانیم».

مدیر دفتر نشر و ویرایش در خاتمه سخنانش گفت: «فضای دیجیتالی، برنامه‌های نرم‌افزاری و الکترونیکی، و فضای پرتالی از برنامه‌هایی است که با همکاری سایت پژوهشگاه و یا راه‌اندازی سایت مستقل برای انتشارات پژوهشگاه جهت معرفی آن در فضای مجازی به مخاطبان که سایت جامع‌تر و کامل‌تری به صورت اختصاصی برای انتشارات باشد، جزو برنامه‌های آتی دفتر است که حتی امکان خرید و فروش آنلاین کتاب‌ها را هم داشته باشیم»



احکام وزیر علوم به رئیس پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

دکتر منصور غلامی، وزیر علوم، تحقیقات و فناوری، طی احکامی رئیس پژوهشگاه، دکتر حسینعلی قبادی را به‌عنوان نمایندهٔ وزیر علوم در هیأت امنای دانشگاه غیردولتی-غیر انتفاعی علم و فرهنگ (به مدت چهار سال) و عضو هیأت ممیزه دانشگاه علامه طباطبائی (به مدت دو سال) منصوب کرد.

انتصاب

دکتر قبادی، رئیس پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، طی احکامی دکتر سیروس نصرالله‌زاده را در سمت معاون پژوهشکدهٔ زبان‌شناسی؛ دکتر هادی وکیلی را در سمت مدیر گروه پژوهشی حکمت اسلامی معاصر؛ دکتر یحیی فوزی را در سمت مدیر گروه پژوهشی مطالعات روابط بین‌الملل؛ دکتر سیدحسین میرجلیلی را در سمت مدیر گروه پژوهشی دانش و پژوهش؛ دکتر ژانست صلیبی را در سمت مدیر گروه پژوهشی بررسی مسائل اجتماعی و روانشناختی ایران، ابقاء و دکتر احمد پاکتچی را به‌عنوان سرپرست پژوهشکدهٔ دانشنامه‌نگاری؛ دکتر مریم شریف‌نسب را به سمت سرپرست معاونت پژوهشکدهٔ زبان و ادبیات؛ دکتر اصغر اسمعیلی را به سمت سرپرست معاونت پژوهشکدهٔ دانشنامه‌نگاری؛ دکتر نعمت‌الله فاضلی را به سمت مدیر گروه پژوهشی مطالعات توسعه؛ دکتر عبدالحسین فرزاد را به سمت مدیر گروه پژوهشی تحقیقات میان‌رشته‌ای؛ دکتر مالک شجاعی جشقانی را به‌عنوان سرپرست گروه پژوهشی فرهنگ ایرانی؛ دکتر سیدروح‌الله شهابی را به‌عنوان مسئول اجرایی ستاد هفتهٔ پژوهش سال ۹۷؛ دکتر سیدمحمدرضا امیری طهرانی‌زاده را به‌عنوان دبیر ستاد هفتهٔ پژوهش سال ۹۷؛ دکتر آریتا افراشی را به سمت دبیر هیأت ممیزه؛ دکتر آریتا افراشی را به‌عنوان دبیر شورای روابط بین‌المللی پژوهشگاه؛ شاپور نیکبخت شیبانی را به سمت سرپرست امور اداری و پشتیبانی پژوهشگاه؛ مهدی جعفری را به‌عنوان سرپرست مدیریت امور اجرایی پژوهشکدهٔ دانشنامه‌نگاری؛ منصوب کرد.



گزارش جلسه دفاعیه صبا فریدونی (دانشجوی دکتری فلسفه دین)

تاریخ برگزاری: ۱۳۹۷/۷/۱۱

موضوع: تحلیل مسأله ناسازگاری در مفهوم کمال مطلق

استاد راهنما: دکتر سید حسن حسینی سروری

استادان مشاور: دکتر علیرضا منصوری، دکتر مهدی اخوان

استادان داور: دکتر اعظم قاسمی، دکتر هادی وکیلی، دکتر جواد اکبری

این جلسه روز چهارشنبه ۱۱ مهر ساعت ۱۱:۳۰ با حضور هیأت داوران و جمعی از دانشجویان در سالن فرهنگ ساختمان فرهنگ پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی برگزار گردید.

دانشجو در مدت بیست و پنج دقیقه به دفاع از رساله خویش پرداخت که خلاصه سخنان وی به شرح ذیل است: موضوع اصلی این پژوهش مفهوم کمال مطلق است. مفهومی که در تصور کلاسیک از خدای ادیان ابراهیمی مورد توجه قرار می‌گیرد زیرا در کلام فلسفی معمولاً خدای ادیان با موجود کامل مطلق این همان تصور می‌شود. اهمیت این پژوهش از آن روست که این همانی خدا با موجود کامل مطلق هم در استدلال‌ها برای اثبات وجود خدا (مانند برهان وجودی) و هم در استدلال‌ها علیه وجود خدا مورد استفاده قرار گرفته است. اما تمرکز این پژوهش بر گروه دوم یعنی استدلال‌ها علیه وجود خداست که در آنها عمدتاً از ناسازگاری درونی مفهوم کمال مطلق و یا ناسازگاری آن با شواهد و تجربه انسان‌ها از جهان استفاده می‌شود. پرسش اصلی در این پژوهش این است که چگونه می‌توان تلقی کلاسیک از خدا را به شکلی سازگار حفظ کرد؟ و فرضیه پژوهش این است که می‌توان چارچوبی مفهومی منطقی در نظر گرفت که با به کارگیری آن انسجام درونی نظام معرفتی واجد مفهوم کمال مطلق حفظ شود. شایان ذکر است با توجه به سابقه طولانی مواجهه با این پارادوکس‌ها وجه ممیز و هدف اصلی این پژوهش یافتن یک رویکرد مشابه برای مواجهه با تمام این ناسازگاری‌هاست. همچنین ایده اصلی این است که این ناسازگاری‌ها مرتبط به ابهام در مفهوم «مطلق» هستند؛ مفهومی که مانند بی‌نهایت در ریاضیات ناسازگاری و پارادوکس ایجاد می‌کند. همانطور که در ریاضیات با طرح حساب بی‌نهایت‌ها و در نظر گرفتن ماهیت متفاوت مفهوم بی‌نهایت نسبت به درک عادی از اعداد با این مشکل مواجه شده اند ما نیز می‌توانیم چارچوبی منطقی و مفهومی بیابیم که در آن با در نظر گرفتن ماهیت متفاوت امور مطلق بتوان با پارادوکس‌ها مواجه شد.

دانشجو سپس به بیان پیش‌فرض‌های اصلی در این پژوهش پرداخت که مهمترین آنها تمایز نهادن میان ذات خدا و تصور او نزد انسانها است که با توجه به اینکه براساس آموزه‌های ادیان شناخت ذات خدا ممکن نیست این پیش فرض برای ایجاد امکان سخن گفتن از خدا لازم است. وی در ادامه به تقسیم‌بندی ناسازگاری‌های مرتبط با مفهوم کمال مطلق پرداخت و این ناسازگاری‌ها را به سه گروه ناسازگاری‌های درونی یک صفت (مانند پارادوکس سنگ)، ناسازگاری دو صفت مطلق (مانند ناسازگاری مفهومی خوبی مطلق ذاتی و اختیار مطلق) و ناسازگاری صفات مطلق با تجربه ما از جهان (مانند مسأله شر) تقسیم نمود و ضمن تشریح صورت‌بندی نمونه هر گروه از ناسازگاری‌ها، مختصراً پاسخ‌های مهم فیلسوفان به این ناسازگاری‌ها را برای حضار توضیح داد.

در بخش سوم از توضیحات خویش، وی به تشریح روش ابداعی در این پژوهش برای جلوگیری از شکل‌گیری پارادوکس‌های مرتبط با مفهوم مطلق در نظام معرفت دینی پرداخت. او بیان کرد که وقتی با یک ناسازگاری مواجه می‌شویم چند رویکرد ممکن وجود دارد: اول: حذف مفهوم منشاء تناقض یا تعطیل سخن گفتن از آن (این روش با پرسش و هدف این پژوهش سازگار نیست). دوم: پذیرش تناقض در نظام معرفتی و کنار گذاشتن قانون عدم تناقض (این روش در برخی رویکردهای نزدیک به ایمان‌گرایی گاهی دیده می‌شود. اما چون به تعطیل می‌انجامد در این پژوهش مناسب به نظر نمی‌رسد). روش سوم تغییر و اصلاح مفهوم مورد نظر



یا چارچوب مفهومی-منطقی مورد استفاده است. این روشی است که در این پژوهش مورد نظر است. ایده اصلی این است که علت بروز پارادوکس‌ها نادیده گرفتن وضعیت متافیزیکی متفاوت موجود مطلق است و در اینجا درصدد ارائه چارچوب مفهومی منطقی خاصی هستیم که در آن ماهیت متافیزیکی متفاوت موجود کامل مطلق مورد توجه قرار گیرد. این چارچوب مفهومی و منطقی را بر پایه دو ایده مبنایی استوار می‌کنیم: اول منظر سرمدی و دوم تعریف مطلق براساس ممکن از منظر سرمدی.

سپس دانشجو به تشریح این دو موضوع و کاربرد آنها در نظام معرفت دینی برای جلوگیری از بروز پارادوکس‌ها پرداخت. اولاً با توسل به مفهوم ابداعی منظر سرمدی موجود کامل مطلق را درون وضعیت‌های امور در نظر نمی‌گیریم بلکه صرفاً جایگاه او را نسبت به وضعیت‌ها در نظر می‌گیریم. این جایگاه یا منظر بیانگر وضعیت متفاوت و به کلی دیگر خداوند نسبت به همه مخلوقات است و موجب می‌شود که او منظری متفاوت به هستی داشته باشد. ثانیاً تعبیر مطلق به «ممکن از منظر سرمدی» به ما کمک می‌کند که به یک رویکرد واحد در مواجهه با همه پارادوکس‌ها دست یابیم و همه صفات مطلق را به یک روش واحد تعریف نماییم. یعنی به جای ارائه تعریف‌های مجزا برای صفات گوناگون به شکلی که تنها مشکل پارادوکس‌های مربوط به آن صفت خاص حل شود، یک تعریف برای مطلق بودن یک صفت ارائه می‌کنیم.

دانشجو با تشریح روش تعریف صفات مطلق بحث خود را ادامه داد. براساس هر تعریفی که از یک وصف داشته باشیم ابعاد متفاوتی از یک وضعیت می‌تواند متعلق آن صفت قرار گیرد که این ابعاد را با اصطلاح ابداعی جزء وصفی نشان می‌دهیم. مثلاً درباره وصف توانایی، تحقق یا پیشگیری یا تغییر یک وضعیت می‌تواند متعلق این صفت قرار گیرد. به این ترتیب کسی واجد این صفت به صورت مطلق است که نسبت به تمام اجزای وصفی آن اگر آن جزء خاص از منظر سرمدی ممکن باشد، واجد آن جزء وصفی باشد.

سپس دانشجو با استفاده از روش پیشنهادی سه پارادوکس نمونه از هر گروه ناسازگاری‌ها را مورد تحلیل قرار داد و نشان داد که با روش یادشده می‌توان از بروز پارادوکس پیشگیری نمود. وی بحث خود را با بیان مزایای این روش که شامل حفظ توازن میان معبودیت و معقولیت تصور از خدا، عدم محدودسازی بیش از حد صفات الهی و تبیین تمایز صفات الهی علیرغم داشتن معنایی مشابه با صفات انسانی می‌باشد و نیز پیامد نامطلوب کلامی آن که بی‌اعتبار شدن برهان وجودی است خاتمه داد.

رساله در یک مقدمه، سه فصل اصلی و یک فصل نتیجه‌گیری سامان یافته است:

در مقدمه به بیان کلیات پژوهش، توضیح پرسش اصلی، هدف، فرضیه و ایده اصلی پرداخته شده است. در بخش اول به تشریح مفاهیم، معرفی اصطلاحات اصلی، معرفی پیشینه بحث و تدقیق بیشتر موضوع پرداخته شده است. این فصل به بیان مقدمات مهمی از جمله دلیل خطرناک بودن بروز ناسازگاری در نظام خداواری اختصاص داده شده است که برای پیش بردن مباحث اصلی رساله به آنها نیاز است.

در بخش دوم به بیان دسته‌بندی ناسازگاری‌های مرتبط با مفهوم کمال مطلق و صورت‌بندی یک نمونه از هر دسته پرداخته شده است و تلاش شده که اصلی‌ترین ادبیات مرتبط با آن و پاسخ‌های ارائه شده قبلی مختصراً مرور شده و گرایش‌ها و رویکردهای اصلی نسبت به آنها بررسی شود.

در بخش سوم که بحث اصلی و ابداعی پژوهش حاضر است روش پیشنهادی معرفی شده است. در این فصل اصطلاحات کلیدی چارچوب پیشنهادی نظیر منظر سرمدی، امکان متافیزیکی و جزء وصفی تبیین و در انتها روش مواجهه با هر سه دسته از پارادوکس‌ها تشریح شده است.

در فصل آخر یعنی فصل نتیجه‌گیری، نشان داده شده است که روش پیشنهادی نگارنده پاسخ تازه و قابل قبولی است که راهی برای مواجهه با مشکل پارادوکس‌های صفات مطلق می‌گشاید.

پس از سخنان دانشجو، ابتدا آقای دکتر و کیلی، داور داخلی و بعد دکتر قاسمی، اصلاحاتی را مطرح کردند. سپس دانشجو به پرسش‌ها و ایرادات مطرح شده هیأت داوران پاسخ گفت. در پایان هیأت داوران و اساتید راهنما و مشاور به شور نشسته و با اعطای نمره ۱۹/۷۵ درجه عالی به رساله دانشجو، وی را دانش‌آموخته مقطع دکتری رشته فلسفه دین تشخیص دادند.



گزارش جلسه دفاعیه الهه سروش ارزانی (دانشجوی دکتری فلسفه علم و فناوری)

تاریخ برگزاری: ۱۳۹۷/۷/۱۰

موضوع: استلزامات متافیزیکی مناقشه ناموضعیات کوانتومی و نسبیت خاص

استاد راهنما: دکتر علیرضا منجمی

استادان مشاور: دکتر مهدی معین زاده

استادان داور: دکتر غلامحسین مقدم حیدری، دکتر حمیدرضا نمازی، دکتر مینو یغمایی

این جلسه مورخ ۱۰ مهر ۱۳۹۷ ساعت ۱۴:۰۰ با حضور هیأت داوران رساله، بستگان دانشجوی و برخی از دانشجویان و علاقه‌مندان به فلسفه علم در سالن دانش ساختمان تحصیلات تکمیلی برگزار گردید.

در ابتدای جلسه دانشجوی در حدود ۴۵ دقیقه به معرفی رساله و آراء اصلی مطرح شده و نتایج به دست آمده در آن، به شرح زیر، پرداخت:

ابتدا محدوده‌های رساله از آن جهت در محدوده طبابت و درمانگری در حوزه پزشکی قرار می‌گیرد و در حوزه‌های تحقیقات زیست‌پزشکی یا تحقیقات بالینی وارد نمی‌شود مشخص شد. سپس توضیح داده شد که برای بررسی موانعی که در پیاده‌سازی هوش مصنوعی در پزشکی وجود دارد، سه محور مشخص شده است که شامل محور مرتبط با دانش پزشکی، استدلال پزشکی و مواجهه بالینی می‌باشد. پنج سیستم هوش مصنوعی که در پزشکی پیاده‌سازی شده و در رساله از همین سه منظر بررسی شده بودند معرفی شدند.

کار اصلی رساله بررسی موانع فلسفی در هر یک از این سه حوزه برای جایگزینی پزشک با هوش مصنوعی بود که در ادامه بررسی مطرح شدند. در محور دانش پزشکی ابتدا بر اساس معرفت‌شناسی موجود از دانش پزشکی مشخصات این دانش و تفاوت‌های آن با معرفت کلاسیک با تعریف "باور صادق موجه" مشخص شد و سپس هر یک از موانع توضیح داده شد. این موانع در این محور شامل انفکاک دانش از تصمیم‌گیری، به رسمیت نشناختن دانش ضمنی در معنای فلسفی، انتزاع دانش از زمینه، عدم پیاده‌سازی شعور عرفی و مشکلات کسب دانش بصورت پویا هستند.

در محور استدلال پزشکی ابتدا چپستی تصمیمات بالینی و قسمت‌های مختلف آن که شامل تشخیص، پیش‌آگهی، درمان و پیش‌گیری بودند توضیح داده شد. موانع بررسی شده در این محور شامل عدم توجه به اینکه پردازشگری انسان امری کل‌انگارانه و بستمند و مبتنی بر معنا است، عدم توجه به زمانمند بودن قضاوت پزشکی، عدم توجه به شخص بودن بیمار، تمرکز بر تشخیص و عدم توجه کافی به پیش‌آگهی، در نظر نگرفتن معیارهای اولویت بندی و عدالت اجتماعی بود. در محور سوم مواجهه بالینی و اینکه سیستم‌های پیاده‌سازی شده در هوش مصنوعی در پزشکی عملاً مواجهه بالینی میان پزشک و بیمار را شبیه‌سازی نکرده‌اند، توضیح داده شد. موانعی که در این محور آورده شدند شامل وجود و عدم حل ابهام زبانی، بدنمندی و موقعیت‌مندی ادراک در مواجهه و معاینه بالینی و نهایتاً فضای اجتماعی و فرهنگی و سیاسی پزشک و بیمار که بر مواجهه بالینی مؤثر است بودند. در آخر در طی جمع بندی مطالب و در پاسخ به پرسش از امکان جایگزینی پزشک و بیمار، مدل فریمن به عنوان مدلی که برخی از موانع فوق را با رویکرد پدیدارشناسانه خود نظر گرفته است، معرفی شد.

پس از ارائه دانشجوی دکتر یغمایی، استاد داور خارجی، پس از ارزیابی از رساله، موادی را که دغدغه پزشکان در تصمیم‌گیری‌های پزشکی می‌باشند را ذکر کردند. از جمله این موارد درگیری پزشکان در قابلیت تعمیم دادن و اختصاصی بودن تصمیم‌گیری در هنگام تشخیص بیماری و شخصی بودن هر تصمیم بود. بعلاوه ایشان در امکان انتقال خطاهایمان به هوش مصنوعی و همچنین سروکار داشتن پزشکان با آمار واحتمالات و مواردی در رابطه با "استانداردهای طلایی" در پزشکی فرمودند.



پس از آن دکتر نمازی، استاد داور خارجی، در مورد بحث خطاهای پزشکی صحبت کردند. بعلاوه از حوزه‌هایی که باعث ذوق زدگی پزشکان از حضور هوش مصنوعی شده و اشتباه بودن آن و همچنین انواع ارتباط بیمار با پزشک توضیح دادند. معرفت ضمنی و تجربه بیماری و امکان مقایسه کارکرد هوش مصنوعی با کارایی tele-medicine از دیگر بحث‌های ایشان بود.

دکتر مقدم حیدری، استاد مدعو داخلی، پس از ارجاع به نکاتی که پیش از جلسه دفاع متذکر شده بودند، این پرسش را مطرح کردند که اینکه بیماری نزد طراحان هوش مصنوعی پزشکی به چه معنا تلقی می‌شود، اهمیت ویژه‌ای دارد و مواردی را ذکر کردند که پزشکان نیز در شناسایی آنها دچار مشکل هستند و این پرسش مطرح شد که آیا هوش مصنوعی در چنین مواردی عملکرد قابل قبولی خواهد داشت یا خیر.

سپس دکتر معین‌زاده، در باب تکلیفی بودن پزشکی و دیدگاه‌های ارسطو در توضیح این امر و مبانی فلسفی دیالوگ و زبان و اینکه تنش بین امر کلی و امر جزئی که در همه زندگی وجود دارد و در تصمیمات پزشکی هم ریزش پیدا کرده است، توضیحاتی دادند. پس از بیان نظرات هیأت داوران، دانشجو در پاسخ به پرسش‌های آنان و دفاع در برابر برخی از نقدها نکاتی را بیان نمود.

استاد راهنما، دکتر منجمی، نیز وجوه مثبت رساله را یادآوری و به پاسخ‌های دانشجو نکاتی را اضافه کردند. در پایان هیأت داوران و اساتید راهنما و مشاور به شور نشسته و با اعطای نمره ۱۹/۵ و درجه عالی به رساله دانشجو، وی را دانش‌آموخته مقطع دکتری رشته فلسفه علم و فناوری تشخیص دادند.

گزارش جلسه دفاعیه محسن ذکا اسدی (دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی)

تاریخ برگزاری: ۱۳۹۷/۷/۷

موضوع: طبقه‌بندی انواع داستان کودک در ایران و شیوه‌های نقد آن بر مبنای ارائه رویکرد چندساحتی (ادبی، هنری، شناختی-عاطفی)

استاد راهنما: دکتر مریم شریف‌نسب

استادان مشاور: دکتر مهرانوش هدایتی، دکتر فرانک جهانگرد

استادان داور: دکتر مریم جلالی، دکتر عبدالحسین فرزاد، دکتر یوسف محمدنژاد عالی‌زمینی، دکتر مریم جلالی
این جلسه روز شنبه تاریخ هفتم مهرماه ۱۳۹۷ در ساعت ۱۳:۳۰ با حضور هیأت داوران رساله و برخی از دانشجویان کارشناسی ارشد و دکتری زبان و ادبیات فارسی و علوم تربیتی و نیز جمعی از علاقه‌مندان به زبان فارسی در سالن ادب برگزار گردید.

در ابتدا دانشجو در مدت بیست دقیقه به دفاع از رساله خویش پرداخت که خلاصه سخنان او به شرح ذیل است: خطابه خود را با شرح بیان مسئله پژوهش، ماهیت ادبیات کودک، بیان رویکرد چند ساحتی، روش‌شناسی پژوهش، پیشینه طبقه‌بندی ادبیات کودک در ایران و بیان یافته‌های پژوهش ارائه کرد. وی ابتدا مسئله پژوهش و تفاوت بررسی آثار ادبیات و ادبیات کودک را بیان کرد و تفاوت نظریه‌های موجود ادبیات کودک را تشریح کرد. سپس نظریه‌های موجود داخلی و خارجی درباره ماهیت ادبیات کودک از جمله نظریه حجوی و خسرونژاد و نظریه برگزیده پژوهش برگرفته از رویکرد نظری دیوید راد را تبیین کرد.



سپس دانشجو طبقه‌بندی‌های موضوعی و ساختاری موجود در پیشینه پژوهش برگرفته از آثار توران میرهادی، لیلی ایمن، محمدهادی محمدی، فرخ صادقی و ثریا قزل ایاغ را شرح داد و رویکرد طبقه‌بندی تاریخی در اثر محمدهادی محمدی و زهره قایینی را شرح داد. در ادامه با بررسی دوره‌های چهارگانه ادبیات کودک و ویژگی‌های آثار تحلیل شده در پژوهش را در هر دوره تشریح کرد؛ در این بخش شمه‌ای از تصاویر و آثار بررسی شده در پژوهش به نمایش درآمد.

در ادامه بحث دانشجو یافته‌ها و نتیجه‌گیری پژوهش را مبنی بر طبقه‌بندی ادبیات کودک بر اساس رویکرد چندساحتی، طبقه‌بندی بر اساس سه نوع تصویرگری گسترش‌دهنده، تقویت‌کننده و برجسته‌ساز و بر اساس ساختار داستانی بیان کرد و ۷۲ اثر تحلیل شده در پژوهش بر اساس هر دسته‌بندی و شیوه طبقه‌بندی‌ها بیان و ارائه شد. در پایان نکاتی درباره مرجع‌شناسی، منابع پژوهشی و شیوه ارائه تصاویر در پایان‌نامه مطرح شد. سپس دکتر مریم جلالی‌استاد داور مدعو و عضو هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی ارزیابی و داوری خود را بیان کرد. ایشان ضمن تقدیر از نوآوری و جسارت دانشجو در بیان رویکرد نظری خود پرسش‌هایی در خصوص بخش بیان مسئله و پیشینه پژوهش مطرح کرد که به صورت پرسش و پاسخ با پاسخ‌های دانشجو و استادان راهنما و مشاور پیش رفت. سپس ایشان پیشنهاد کرد که رویکرد پژوهشی در قبال ارتباط متن و تصویر به جای استفاده از نظریه قایینی با استفاده از منابع خارجی از قبیل پژوهش‌های پیترو هانت و نیکولایوا همراه شود.

در ادامه دکتر عبدالحسین فرزاد داور داخلی رساله سخنان خود را در زمینه داوری پژوهش بیان کرد. ایشان ضمن تقدیر از استادان راهنما و مشاور به بیان نکاتی درباره زبان پژوهش پرداخت و پیشنهاد کرد واژه‌ها و عبارات گاه ژورنالیستی پژوهش با عبارات‌های پژوهشی تعویض شود. سپس ایشان نکاتی درباره موضوع فروتنی در پژوهش بیان کرد و ابراز داشت دانشجوی دکتری باید اعتماد به نفس و اعتقاد به اجتهاد خود داشته باشد. دکتر یوسف محمدنژاد عالی‌زمینی دیگر داور داخلی رساله نیز ضمن بیان این‌که در مراحل پیشین از جمله تصویب پیشنهادنامه، ارائه سمینار و پیش‌دفاع در جریان روند پژوهش بوده است، نکاتی در نقد شیوه ارجاع به منابع، ساختار پژوهشی کار و پاراگراف‌بندی رساله بیان کرد. در پاسخ به ایشان دانشجو و استاد راهنما موضوع ساختار و فصل‌بندی پژوهش را مطابق با شیوه‌نامه نگارش رساله دکتری در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی دانستند.

سپس استاد راهنمای رساله، دکتر مریم شریف‌نسب، با تشکر از انتقادهای استادان داور از دانشجو خواست در مراحل ویرایش نهایی رساله، همه نکات مورد نظر اساتید را تصحیح نماید.

در ادامه دکتر مهنوش هدایتی، استاد مشاور اول رساله، ضمن ابراز سپاس ویژه از خانم دکتر مریم جلالی به دلیل بیان نکات علمی و شایسته در داوری رساله، درباره بخش روان‌شناسی پژوهش و ساحت شناختی-عاطفی بررسی ادبیات کودک و دشواری یافتن نظریه مبنا در این بخش مطالبی را بیان کرد.

دکتر فرانک جهانگرد، استاد مشاور دوم رساله، نیز ضمن سپاسگزاری از داوران و حضار نکاتی درباره شیوه نگارش متن پایان‌نامه، حضور گاه‌به‌گاه دانشجو در متن، که متفاوت با شیوه‌های نگارش متداول در پایان‌نامه‌هاست، به بیان تفاوت روش‌شناسی و پیشینه پژوهش پرداخت.

در پایان هیأت داوران و اساتید راهنما و مشاور به شور نشستند و با اعطای نمره ۲۰ و درجه عالی به رساله دانشجو، وی را دانش‌آموخته مقطع دکتری رشته زبان و ادبیات فارسی تشخیص دادند.

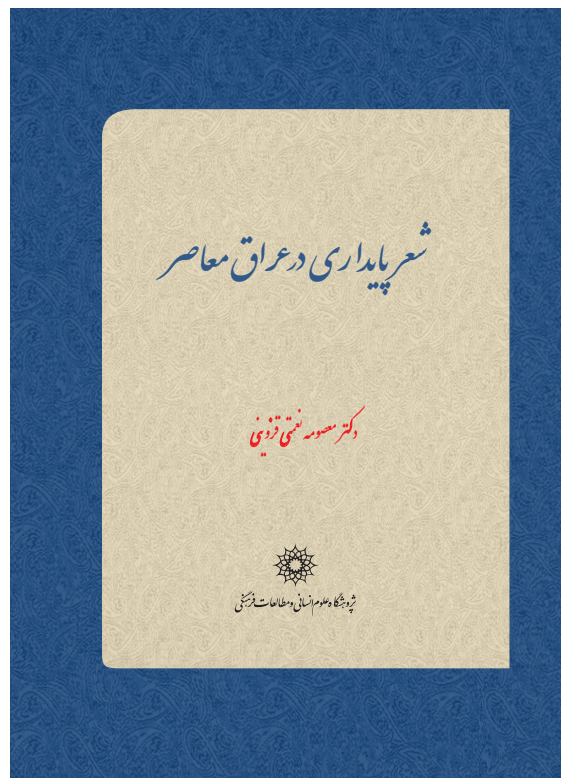
گزارشی بازدید دانش‌آموزان از پژوهشکده دانشنامه‌نگاری در روز ترویج علم

در روز سه‌شنبه ۲۹ آبان ماه ۱۳۹۷، روز ترویج علم، دانش‌آموزان دبیرستان دخترانه سما دعوت به عمل آمد تا ضمن بازدید با فعالیتهای پژوهشکده دانشنامه‌نگاری آشنا شوند. در ابتدای این جلسه دکتر مریم کامیار و آقای مسعود امیرخانی توضیحاتی درباره دانشنامه‌نگاری بیان کردند. سپس دانش‌آموزان سؤالاتی راجع به دانشنامه و... پرسیده شد و به قید قرعه به بهترین‌ها جوایزی اهدا شد و به پرسش‌های دانش‌آموزان پاسخ داده شد. ضمن برگزاری برنامه دکتر اسمعیلی نیز به جمع مدعوین پیوسته و در پاسخگویی و مباحثه شرکت نمودند. پس از پذیرایی، دانش‌آموزان به کتابخانه پژوهشکده مراجعه کردند و از نزدیک با انواع دانشنامه‌ها و دایره‌المعارف‌ها آشنا شدند. در پایان نیز به مناسبت هفته کتاب و کتابخوانی یک نسخه کتاب «گاهشمار علم ۱ و ۲» به آنها اهدا شد و مقرر شد با مشورت مدیر و معاونین آن مدرسه کتاب‌هایی از بین دانشنامه‌ها انتخاب شود تا برای اهدا به مدرسه ارسال شود.



برخی از کتاب‌های منتشر شده در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی





پنجمین همایش ملی زبان‌شناسی رایانشی

دبیر علمی: دکتر مسعود قیومی
دبیر اجرایی: بیتا قوچانی

محورهای همایش:

- پردازش واژه
- ماشین ترجمه
- پردازش گفتار و متن
- تجزیه نحوی خودکار
- سیستم پرسش و پاسخ
- استانداردسازی داده زبانی
- پرچسب‌دهی نقش معنایی
- یافتن خودکار ارجاع ضمیر
- پرچسب‌دهی مقوله دستوری
- تهیه شبکه‌های معنایی واژگان
- تشخیص موجودیت‌های نامدار
- استخراج اطلاعات از داده زبانی
- موتورهای جستجو و بازیابی اطلاعات
- پردازش ساخت اطلاعی در جمله و متن

تاریخ‌های مهم:

ارسال اصل مقاله و چکیده انگلیسی: ۱۵ فروردین ۱۳۹۸

اعلام نتایج داوری: ۳۱ خرداد ۱۳۹۸

ارسال نسخه نهایی مقاله (اعمال نظرات داوران): ۱۵ تیر ۱۳۹۸

زمان برگزاری همایش: ۳۰ آبان ۱۳۹۸

مقالات حتما باید براساس قالب محتوایی و صورتی ابلاغی انجمن تدوین شود.
مقالات می‌بایست به نشانی رایانامه hamayesh@lsi.ir ارسال شود.



Call for Papers

International Academic
Conference (2019)

فراخوان مقاله

همایش بین المللی

تاریخ فرهنگ و تاریخ فرهنگی در ایران

History of Culture and Cultural History in Iran

Conference Topics

History of culture
Cultural history in Iran

Sub-Themes

- **What is cultural history?**
Definition, fundamental vocabulary, concepts and subject matter
Theoretical frameworks
- **Historiography of "Cultural History"**
Pioneers of cultural history
New cultural history and its relation to historical sciences
Challenges and opportunities of the historian in cultural historiography
The Methodological Aspects of Cultural History
World and Comparative Study of Cultural History
- **Cultural History in Iran**
Current situation and its outlook
Review and evaluation of research products in the field of cultural history
- **Iranian Cultural History (Proposals for Research)**
Continuity and breakdown of cultural affairs in Iranian history
Archaeology and cultural history (cultural anthropology, cultural semiotics, etc.)
Architecture and cultural history
The history of gender and women in cultural history
Everyday life and lifestyle in Iranian history
Formal and informal culture
History of emotions (history of shame, history of fear, history of love, etc.)
History of mentality and cultural memory
rituals, cultural customs of Iran
Representation of cultural history in Persian language works and resources

5 March 2019, institute for humanities and cultural studies, Tehran, Iran

Abstract Deadline: 5 January 2019

Full Paper Deadline: 5 February 2019

Email: ich@ihcs.ac.ir

محورهای همایش

-تاریخ فرهنگ

-تاریخ فرهنگی در ایران

محورهای جزئی همایش

• چیستی تاریخ فرهنگی

تعریف، واژگان بنیادین، مفاهیم و قلمرو موضوعی
چارچوب‌های نظری

• تاریخ‌نگاری «تاریخ فرهنگی»

پیشگامان تاریخ فرهنگی
تاریخ فرهنگی جدید و نسبت آن با علوم تاریخی
چالش‌ها و فرصت‌های مورخ در تاریخ‌نگاری فرهنگی
جنبه‌های روش‌شناختی تاریخ فرهنگی
مطالعات جهانی و تطبیقی تاریخ فرهنگی

• تاریخ فرهنگی در ایران

وضعیت فعلی و چشم‌انداز آن
بررسی و ارزیابی تولیدات پژوهشی در حوزه تاریخ فرهنگی

• تاریخ فرهنگی ایران (پیشنهادهایی برای پژوهش)

تداوم و گسست امر فرهنگی در تاریخ ایران
باستان‌شناسی و تاریخ فرهنگی (انسان‌شناسی فرهنگی، نشانه‌شناسی فرهنگی و ...)
معماری و تاریخ فرهنگی

تاریخ جنسیت و زنانه‌نویسی در تاریخ فرهنگی

زندگی روزمره و سبک زندگی در تاریخ ایران

فرهنگ رسمی و غیررسمی (عامه)

تاریخ احساسات و عواطف (تاریخ شرم، تاریخ ترس، تاریخ عشق، ...)

تاریخ ذهنیت و حافظه فرهنگی

حافظه فرهنگی

آیین‌ها، آداب و رسوم فرهنگی ایران

بازنمایی تاریخ فرهنگی در آثار و منابع فارسی زبان

۱۴ اسفند ۱۳۹۷، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

مهلت ارسال چکیده: ۱۵ دیماه ۱۳۹۷

مهلت ارسال مقاله کامل: ۱۵ بهمن ۱۳۹۷

ایمیل: ich@ihcs.ac.ir

مدیر مسئول: سیدمحسن علوی پور

سر دبیر: حوریه احدى

هیأت تحریریه: محسن باباخانی، شهرام اصغری، صادق کیا و سعیده زندی

ravabet1@ihcs.ac.ir

www.ihcs.ac.ir

کانال سروش: @pajoheshgah